



پرونده‌های جهان متحد شوید!

شماره ۱۵۵ خرداد ۱۳۹۸

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران (توفان)

فهرست مطالب

- ۲..... کارگران ایران و مسأله تجاوز احتمالی امپریالیستی
- ۳..... آیا جنگی صورت خواهد گرفت؟ اگر جنگ رخ داد، وظیفه ما چه خواهد بود؟
- ۴..... ندای دانشجویان، ندای رهائی است و نه ارتجاع و انقیاد!
- ۶..... دکتر فریبرز رئیس دانا، درباره خطر احتمالی حمله نظامی به ایران و برخورد به «چپ» نماهای نخ نما!
- ۷..... هذیان‌گویی دو سازمان شبه ترسکیست وطنی درباره جنگ و اوضاع منطقه
- ۹..... یادداشت زیر نوشته ژورنالیست برجسته آلمانی، یورگن تودنهوفر است
- ۱۰..... «دریغ است ایران که ویران شود»
- ۱۱..... بیانیه مشترک جهانی در حمایت از کارگران ایران
- ۱۳..... غارتگران مجلس سقف حقوق مدیران را ۲۴ میلیون تومان تعیین کردند
- ۱۴..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۲۰..... جعلیات را باور نه کنید!
- ۲۱..... در باب شغل روحانیت در آینده ایران
- ۲۲..... آیا اتحادیه اروپا پروژه‌ای برای صلح است؟
- ۲۳..... در حاشیه انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا
- ۲۵..... بمباران نوار غزه و کشتار بربرمنشانه مردم فلسطین، جنایت علیه بشریت است و آنرا قویاً محکوم می‌کنیم
- ۲۶..... یاد رفیق مهدی شرفی، یار زحمتکشان را زنده بداریم
- ۲۶..... در سوگ رفیق محمود فرازنده، رفیق کمونیست ما
- ۲۷..... به‌مناسبت سالگرد ترور رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)
- ۲۷..... فرخنده‌باد هفتاد و چهارمین سالروز پیروزی بر فاشیسم
- ۲۸..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۲۹..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام



کارگران ایران و مسأله تجاوز احتمالی امپریالیستی

مدتی است که سیاست «تهدید و تعرض» علیه ایران، سایه سنگین خود را بر امور جامعه ما افکنده است؛ مردم زحمتکش ما حق دارند که به این «سیاست تهدید و تعرض» با دیده نگران بنگرند و آنرا تهدیدی جدی برای تداوم مبارزاتشان در راه حفظ استقلال سیاسی و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران، تلقی کنند. نگاهی به مبارزات کارگری و اعتصابات و اعتراضات اقشار مختلف جامعه در فروردین و اردیبهشت ماه همین سال نشان می‌دهد که مردم ایران، علی‌رغم تهدیدات اخیر نظامی امپریالیسم آمریکا، دست از مبارزات روزانه خود برنمی‌دارند و در کنار طرح مطالبات صنفی و سیاسی خود، مخالفت خود را نیز با مداخلات و تهدیدات کشورهای امپریالیستی در امور داخلی خود ابراز می‌دارند. (در این زمینه رجوع کنید به گزارشات مندرج «در جبهه نبرد طبقاتی» در همین شماره). کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و کشاورزان در طی ۴ دهه مبارزه خود، متحمل هزینه‌های زیادی شده‌اند، از زندان، شکنجه و تبعید اجباری گرفته تا اعدام و قتل. این نهالی را که آنها با خون خود آب دادند، امروز تبدیل شده است به درخت تنومندی که در زیر سایه آن همه اقشار زحمتکش جامعه گرد هم آمده‌اند و در پناه آن به مبارزات خود ادامه می‌دهند. هرگونه تعرض نظامی، که منجر شود به تلاشی شیرازه جامعه، نخستین قربانی آن خشک شدن درخت تنومند جنبش کارگریست. نمی‌توان از یکسو طرفدار استقرار آزادی و عدالت اجتماعی بود و در عین حال با سیاست تحریم، تهدید و تعرض، که طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه را به اولین قربانیان آن تبدیل خواهد ساخت، نیز موافقت داشت. این یعنی فریب توده‌ها، یعنی سر درآخور بیگانه داشتن، یعنی در پارکاب امپریالیسم به نابودی کشور خدمت کردن.

آنچه را که رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در سخنرانی خود در پنجاه و دومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار فرانسه در شهر دیژون فرانسه، که در ۱۲ ماه می ۲۰۱۹ با حضور نمایندگان سندیکاهای کشورهای مختلف جهان برگزار گردید، اظهار داشت، بیانگر سیاست صلح‌جویی و انترناسیونالیسم پرولتریست. سرنوشت طبقه کارگر ایران با سرنوشت زحمتکشان عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، فلسطین و غیره پیوند خورده است. طبقه کارگر ایران نمی‌تواند نسبت به تحولات منطقه و آنچه که در این کشورها می‌گذرد، بی‌تفاوت بماند. لذا با سیاستی که در میان صفوف زحمتکشان تفرقه ایجاد کند، آنها را به دشمنی با هم کشاند و آنها را در مقابل هم قرار دهد، به مخالفت برمی‌خیزد و در قبال آن سیاست طبقاتی خود را برمی‌گزیند، صف خود را از صف دشمنان طبقاتی جدا می‌سازد. و زحمتکشان را فرامی‌خواند تا در مبارزه روزانه خود به امر صیانت از استقلال ملی توجه خاصی داشته باشد و آنرا جزء جدائی‌ناپذیر مبارزه در جهت تحقق آزادی و عدالت اجتماعی بداند. آنچه که رضا شهابی بیان داشت غیر از این نیست. اکنون به بخش پایانی و مهم سخنان رضا شهابی گوش دهیم: «ما کارگران با جنگ افروزی‌های دولت‌های سرمایه‌داری در جهان و مخصوصاً در خاورمیانه مخالفیم. تهدید نظامی و تحریم جز خراب‌تر کردن وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان ایران، عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، فلسطین و... ندارد. ما کارگران به پشتیبانی هیچیک از بلوک‌های سرمایه‌داری توهم نداریم، بلکه به همبستگی کارگران و حقوق‌بگیران جهان احتیاج داریم».

به این معنی طبقه کارگر ایران فقط در درون برای کسب عدالت اجتماعی و آزادی نمی‌رزد، مبارزه او در عصر امپریالیسم نمی‌تواند جنبه ملی به خود نه‌گیرد که گرفته است. بنابر این مبارزه برای کسب آزادی با مبارزه برای حفظ استقلال سیاسی و حاکمیت ملی درهم آمیخته است؛ آنها را نمی‌توان از هم تفکیک نمود و فقط جنبه عدالت اجتماعی آنرا برجسته کرد و دیگری را از افق دید خود دور انداخت.

پشتیبانی اپوزیسیون خودفروخته از راه «سیاست تهدید و تعرض» برای دستیابی به «آزادی» و «عدالت اجتماعی» راه اطاعت و فرمانبری است. ملت‌ها اگر بخواهند بر استقلال خود تکیه کنند، راهی جز همبستگی بین‌المللی، مقاومت و ایستادگی برای حفظ استقلال سیاسی و مبارزه علیه هرگونه تهدید و تحریم و جنگ نیست. ملت‌ها خواهان جنگ نیستند. ولی صلح‌جویی ملت‌ها به این معنا نیست که چنانچه امپریالیسم به حاکمیت آنها تعرض نماید، آنها از خود مقاومت نشان نه‌دهند، به استقبال او روند. همانطور که در سوریه نه‌رفتند و از میهن و یکپارچگی سرزمین خود به دفاع برخاستند. این نظام امپریالیسم است که جنگ می‌طلبد و کوشش می‌کند تا آنرا به نام «آزادی» به ما تحمیل کند.

سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران تنها و تنها وظیفه مردم ایران است، چون امریست داخلی. طبقه کارگر ایران در ادامه مبارزات خود به نیروی خود متکی است و با دخالت هرگونه نیروی خارجی مخالف است. •



احتمالاً جنگی رخ داد، چگونه باید عمل کنیم؟

اگر هدف را درست تشخیص داده باشیم، آنوقت باید قبل از هرگونه حمله‌ای سیاست تبلیغ ممانعت از تجاوز به ایران را در پیش گیریم و مسبب اصلی این تنش و جنگ احتمالی را که آمریکا است، مورد آماج خود قرار دهیم، همانطور که در مورد عراق و افغانستان و لیبی و یا سوریه و غیره... چنین کردیم. در عرصه جهانی همه کسانی که با تحریم و تجاوز به ایران و سیاست ممانعت از جنگ و تجاوز اتفاق نظر دارند، در جبهه جهانی ضدجنگ، که نوک پیکانش علیه دولت جنگ‌طلب و متجاوز است، نشانه می‌رود و به افشاگری و آگاه کردن افکار عمومی می‌پردازند.

حال اگر بر فرض مثال علی‌رغم تلاش ما، تجاوز نظامی صورت گیرد، این جنگ یک جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی و مغایر با تمام موازین بین‌المللی است. جنگی الحاقی و ارتجاعی است و باید محکوم گردد و همه مردم ایران باید در مقابل نیروی متجاوز خارجی به‌ایستند و دست به مقاومت بزنند. هر نیرویی که در مقابل متجاوزین تسلیم شود و مقاومت نه کند، خائن به ملت ایران است و همدست قدرت استعماری است. در اینجا دفع دشمن خارجی و متجاوز به یک اصل ملی تبدیل می‌شود و سایر تضادها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تنها در بستر حل این تضاد است که می‌توان به مسائل دیگر، از جمله به حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی، که امری داخلی است، پاسخ داد.

از پیش روشن است با وقوع بمباران‌ها بخشی از حاکمیت و آقا زاده‌هایشان پا به فرار و کشور را ترک خواهند کرد، بخشی دیگر برای حفظ موقعیت خود در مقابل متجاوزین می‌ایستند و دست به مقاومت می‌زنند. در چنین شرایطی نیروهای مردمی باید به تبلیغ مقاومت عمومی و میهنی بپردازند و پرچم مبارزه علیه قوای خارجی را در دست خود گیرند. اگر حزب سیاسی

آیا جنگی صورت خواهد گرفت؟ اگر جنگ رخ داد، وظیفه ما چه خواهد بود؟

سخن بر سر این نیست که امروز حتماً جنگی درمی‌گیرد، که به نظر ما احتمال آن ضعیف است. سخن بر سر ماهیت نزاعی است که در گرفته و شناخت از اهداف و نیت اصلی امپریالیسم آمریکا از این زورگویی‌هاست

اول اینکه دولت ترامپ، اوباما یا جرج بوش، نماینده امپریالیسم آمریکا، نماینده سرمایه مالی هستند و سرمایه مالی ماهیتاً به دنبال سیادت و سلطه مطلق است و نه «آزادی». سیاست الحاق و نقض حقوق ملل و حق تعیین سرنوشت، که یک امر سیاسی است، بخش جدایی‌ناپذیر از خصلت امپریالیسم است. پس هدف آمریکا از این نزاع حتماً تغییر رفتار نظام در درازمدت هم نیست، بلکه تغییر کلیت نظام است. همانطور که در عراق، لیبی و افغانستان و غیره... عمل کرد. قذافی اکثر سیاست‌های کلان آمریکا را پذیرفت، اما دیدیم سرانجام با او چه کردند.

دوم اینکه دفاع از حق تعیین سرنوشت به معنی دفاع از حق ملت ایران و تغییر قدرت سیاسی با دست خود اوست و این بدان معنی نیست که ماهیت قدرت سیاسی رژیم الزاماً مترقی و انقلابی است. همانطور که در مورد افغانستان و عراق هم بحث بر سر «ماهیت دموکراتیک» رژیم‌ها نبود، بلکه سخن بر سر احترام به حقوق ملل و حق تعیین سرنوشت به دست خود ملل بود.

پرسش مهم این است: در شرایط کنونی چه باید کرد؟ و اگر



ندای دانشجویان، ندای رهائی است و نه ارتجاع و انقیاد!

روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸، دانشجویان مقابل پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در اعتراض به تغییر نظامنامه دانشگاهی، طرح «حجاب و عفاف»، استقرار نیروهای حراست در دانشگاه، سخت‌گیری نوع پوشش و تهدید احضار به کمیته‌های انضباطی، تجمع کردند که با یورش بسیجی‌ها و انجمن اسلامی‌ها مواجه شدند. اما با وجود حضور عناصر سرکوب‌گر، دانشجویان بر خواست‌های خود ایستادگی کردند و در بیانیه پایانی تظاهرات، به درستی، طرح حجاب را تعرض به حریم خصوصی دانشجویان و نقض حقوق انسانی و ستمی آشکار علیه زنان دانستند و دفاع از «آزادی در امر پوشش» را از حقوق بدیهی خود خواندند.

این تظاهرات دارای چند ویژگی و حاوی پیام سیاسی مشخصی بود.

۱- زنان، این حماسه‌سازان ۴۰ سال گذشته، یکبار دیگر، رسا، چون همیشه، به حاکمان پیام دادند که تا اتخاذ اقدامات لازم و ضروری برای از میان برداشتن تبعیض‌های جنسیتی در کلیه اشکال و تجلی‌های آن و تضمین حقوق برابر در بهره‌مندی از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی به اعتراضات و مبارزه خود ادامه خواهند داد. ظنین «بسیجی بیا پایین» و «بی شرف! بی شرف!» پاسخ دانشجویان به حمله نیروی

طبقه کارگر دارای نیروی نظامی است، آنوقت باید برحسب توازن قوا از هر نوع جنگ داخلی پرهیز کند و به نیروهایی که می‌خواهند در مقابل قوای متخاصم خارجی به‌رزمند، پیشنهاد آتش بس دهد و همه را به مقاومت علیه دشمن مشترک خارجی دعوت کند.

حالت دیگر این است که عده‌ای بخاطر دشمنی و نفرت از رژیم جمهوری اسلامی به تجاوز نظامی لیبیک به‌گویند، تا از این طریق و در پارکابی متجاوزین به سرنگونی رژیم به‌پردازند، همانطور که اپوزیسیون وطن‌فروش عراقی دادند و به استقبال بمب‌افکن‌های آمریکایی رفتند. چنین راهی خیانت ملی است، سیاست ارتجاعی، مذموم و مطرود است.

وظیفه حزب طبقه کارگر برای کسب رهبری سیاسی که در برنامه‌اش سرنگونی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را هدف قرار داده است، باید فوراً با تغییر شرایط سیاسی با اتخاذ تاکتیک نوین برای حل مسئله ملی، یعنی دفع نیروی متخاصم خارجی به تشکیل جبهه واحد بر ضد نیروی متجاوز امپریالیستی مبادرت ورزد، تا به‌تواند در بستر این مبارزه ملی و کسب اعتماد مردم رهبری جنبش را در دست گیرد. در شرایط کنونی با توجه به آنچه در عراق، لیبی، افغانستان و غیره..... روی داد و ضعف نیروهای انقلابی، که شاهد بودیم، عملاً جبهه‌ای پانگرفت، اگر هم گرفت، عمرش کوتاه مدت بود. متأسفانه سرکردگی جنبش مقاومت در دست نیروهای انحرافی قرار گرفت. از این‌روی پیش‌بینی دقیق چگونگی شکل‌گیری جبهه در شرایط یک جنگ و بمباران هوایی کاری بسیار دشوار است؛ امروز فقط می‌توان به خطوط کلی آن و تبلیغ مقاومت علیه دشمن خارجی بسنده کرد.

تلفیق دیالکتیکی مبارزه دمکراتیک با مبارزه ملی بر ضد دشمن خارجی و شناخت دقیق از تضادهای جدید در کشور تحت اشغال از جمله وظیفه حزب ما و نیروهای میهن‌دوست و انقلابی است که باید بدون درغلتیدن به موضع چپ‌روانه و یا راست‌روانه اتخاذ گردد. مطالعه اسناد تاریخی جنبش جهانی ضد تجاوز در چین، ویتنام و سایر ممالک بسیار آموزنده‌اند.

امروز باید قبل از این فاجعه که می‌تواند تکرار خطرناک ویرانی ممالک عراق، لیبی و غیره..... باشد، به تقویت سیاست ممانعت از تجاوز و مبارزه علیه تحریم و از سوئی به دفاع از مبارزه مردم برای تحقق حقوق دمکراتیک بر ضد بیدادگری‌های رژیم و پیوند آن در مبارزه علیه امپریالیسم به‌پردازیم و به جلو حرکت کنیم. در شرایط قبل از وقوع احتمالی تجاوز نظامی به ایران باید کارزاری برای بسیج افکار عمومی با شعارهای روشن «نه به تجاوز نظامی به ایران، نه به تحریم و دست‌ها از ایران کوتاه باد!» سامان دهیم و تأکید کنیم که ملت ایران قیم نمی‌خواهد و هرگونه تغییر و تحولی و یا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی یک وظیفه داخلی است و بس! •

سرکوب گر، هنگام قرائت بیانیه پایانی تظاهرات بود.

۲- دانشجویان در ادامه اتحاد دلاورانه دی ماه ۱۳۹۶ با زحمتکشان جامعه، این بار نیز به گونه‌ای شفاف، ضمن فریاد خواست‌هایشان، در همبستگی با جنبش زحمتکشان، علیه سیاست‌های نئولیبرالی حاکم با شعار «نان، کار، آزادی، پوشش اختیاری» وارد کارزار اعتراضی شدند و پیام آخرشان را به رژیم دادند و بانگ برآوردند: «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد».

جنبش دانشجویی ایران که از بطن مبارزه ضداستبدادی و ضدامپریالیستی برخاسته بود، همواره، تاکید بر ضرورت همبستگی دانشجویان و زحمتکشان داشت. دانشجویان طی چند دهه مبارزه علیه استبداد جمهوری اسلامی، با تکیه بر تجارب گران‌بهای گذشته، اقدام به سازمان‌دهی جدید شوراهای صنفی، اعتراضات و «کارزار علیه بیگاری» با مشارکت روزنامه‌نگاران، کارگران و معلمان کردند. این تجربه جدید، پیوند بین دانشجویان و دیگر گروه‌های صنفی، ناشی از وضعیت عینی و مادی موجود در جامعه بود، آنچه که بر هم‌سرنوشت شدن دانشجویان، کارگران و معلمان نیز تاثیر گذار شد. زمانی که دانشجویان شعار «ما فرزندان کارگرانیم و تا آخر کنارشان می‌مانیم» می‌دهند، از فشارهای اقتصادی کمرشکن خانواده‌ها سخن می‌گویند و درد مشترک را فریاد می‌زنند.

حمل تصاویر زندانیان صنفی مختلف در تظاهرات هر سه گروه، حمایت متقابل از مطالبات و شرکت در تظاهرات اعتراضی، صدور بیانیه‌های حمایتی... نشانه پیوندی عمیق میان معلمان، زحمتکشان و دانشجویان است که با رزم طبقه کارگر در ادامه تظاهرات و پیوند با اعتراضات آینده، یقیناً تعمیق بیشتری هم خواهد یافت، تا کلمات سرکوب شده تاریخ را به گوش همگان برسانند.

۳- ویژگی دیگر این اعتراض، مرزبندی با جناح‌های مختلف درون حاکمیت و مشخص کردن خط مبارزاتی خود با طیف طرفداران حمله نظامی به مردم ایران و طرفداران تحریم، علیه مردم ایران بود. دانشجویان پلاکاردهای قرمز رنگی، به سرخی خون مبارزان و فعالان صنفی با شعارهای «علی‌نژاد و گشت ارشاد، یکی با دوربین یکی با چماق، دو سوی یک ارتجاع، علیه زنان»، «علی‌نژاد و ارشاد... ارتجاع و انقیاد» را بلند کردند و به مسیح دختران پولدار، کارت قرمز خود را نشان دادند و بقالی «مسیح جون» را تعطیل کردند. دانشجویان به بهره‌برداری‌های علی‌نژادها، «فرشگردی‌ها»، «مصادره نیوزهایی» چون «شبکه من و تو»، ورشکستگان و کاسبکاران سیاسی که در ساله‌های گذشته اعتراضات صنفی را به نفع خود و اربابان‌شان مصادره کرده بودند، «نه» گفتند و توانستند قاطعانه و روشن، مرز مبارزاتی خود را از آنها جدا کنند.

فراموش نکنیم که دانشجویان و فعالین صنفی، بارها زیر شکنجه و در زندان متهم به ارتباط داشتن با همین «مصادره نیوزها» شدند و این «فیک نیوزهای» بی‌مسئولیت، چنین وانمود کردند که در همه موارد دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی - صنفی به آنان وابستگی دارند.

معلمان و کارگران نیز در بیانیه خود، از این مرزبندی دانشجویان با کسانی که خواهان دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران هستند، حمایت کردند.

مرزبندی جدید فعالان صنفی دانشجویی به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد از جمله «حمید تقوایی»، لیدر حزب اسرائیلی «کمونیست کارگری ایران». وی این کار را اشتباه مهلکی که موجب غیر فراگیر شدن «مبارزه» می‌شود، نامید. آقای «تقوایی» در هیچ لحظه این مصاحبه، پیام دانشجویان به رسانه‌ها و روزنامه‌نگارانی، که مسئولان اتاق‌های فکری وابسته به امریکا هستند و علیه منافع طبقه زحمتکشان فعالیت و خرابکاری می‌کنند، نه پرداخت.

او از هرگونه مرزبندی با دخالت‌های امپریالیستی نیز شدیداً خودداری کرد! اما در عوض نگران مزور شدن خانم مسیح علینژاد بود. «تقوایی» علناً گفت که خود و حزب‌اش از این کار دانشجویان حمایت نمی‌کنند و بعد به ادامه چند شعار مردم فریب پرداخت. حرف آخرش هم، این بود که نباید حرکت‌های اعتراضی دانشجویان به جنبش طبقاتی ربط داده شود.

بی‌جهت نیست که به درجه حزب مقوایی نزول رتبه پیدا کرده‌اند! حزب پروامپریالیستی و صهیونیستی آقای «تقوایی»، حزب قسم خورده دشمنی با زحمتکشان، کارگران و کمونیسم است.

از نظر درک و عمل، دانشجویان روز دوشنبه نشان دادند از نخ‌نماهای کمونیستی بسیار جلوتر هستند و دریافته‌اند مبارزه انقلابی و پیروزی کارگران در گروی شناخت دشمنان طبقه کارگر، جنگ و غلبه بر آنان است و بس.

۴- انعکاس مطبوعاتی این تظاهرات در رسانه‌های وابسته داخلی و خارجی با دروغ توأم بود. مطبوعات داخلی معترضین را دانشجویان اخلاص‌گر معرفی کردند. رسانه‌های خارج آن بخش از پلاکاردها را که با شعار ضد مسیح علی‌نژاد را با استدلال «فتوشاپ» از گزارشات تصویری خود حذف کردند. برخی نیز سعی داشتند نام او بر پلاکاردها را یکی از مسئولان دانشگاه جلوه دهند!

به هر روی، چه طرفداران دخالت‌های بیگانگان باور کنند و چه نه کنند، دانشجویان قاطعانه و رسا گفتند، وابستگان اتاق‌های فکری و ارشاد هر دو مرتجع هستند و هیچگونه حمایتی از این گروه‌ها نمی‌کنند.

دانشجویان باری دیگر برجسته کردند که ندای آنان ندای رهایی است و نه ارتجاع و انقیاد! •

ماهوره‌های آمریکائی و انگلیسی و صهیونیستی و عربستانی و... همپالگی‌ها! جون مادراتون شاخ تو جیب این گنده باقالی‌ها، ترامپی و یُمپی و آن یکی سیبل دار نفوفاشیست نه کنید! مردم ما را زیر فشار بیشتر و کارگران محروم ما را به رنج‌های چند برابر نه برید! سربازان جوان و مزدور کُک‌مکی از نوع جورج و جان و جیم و جَک و جانور را به این سرزمین نه کشانید، تا همین جا جان به دهند و دفن شوند. آنها هم مانند سربازان ما بشوند و جان دارند و مثل جان خودتان جان شیرین‌شان خوش است.

تا آنجا که من این کارگران بی‌توش و توان، اما برومند و این روشنفکران در بند و زیر نفرت قدرت حاکم، اما همیشه متعهد و این مردم عادی بینوا شده، اما آگاه را می‌شناسم، آنها در امتداد تلاش و مبارزه علیه ستم و برای آزادی راه می‌روند. باز شدن جبهه‌ی دوم به نفع آنها نیست، اما به نفع قدرت انحصارگران داخلی این کشور، که مردم و نمایندگان آنان را در منگنه‌ی فشار بیشتر می‌فشرد، خواهد بود. آنها نمی‌نشینند تا فقط نگاه کنند و شانه بالا بیندازند که بعهعهعهعه ما انقلابی تشریف داریم و جنگ به ما مربوط نیست، پس ماست‌مان را می‌خوریم. آنها تجاوز از سوی امپریالیست‌ها را به سرزمین و خانه و کاشانه و تهاجم به سرمایه‌ها و زیر ساخت‌ها را، که باید به دست توانای‌شان به تملک جامعه درآید و نیز کشتار مردمان ستم‌دیده را که مبارزان آگاه و واقعی برای نیک‌بختی‌شان می‌رزمنند، بر نمی‌تابند و ناگزیر به دفاع برمی‌خیزند و چه بسا علیه شمار محدود شما نیز کنش داشته باشند. با شهادی و از جان مردم مایه گذاشتن خواب‌تان تعبیر نمی‌شود. گذشت دوران زمانه‌های تاریک.

راستی! جنگ‌ناخواهی این دولت نماینده جناح کلاسیک سلطه‌ی کاپیتالیستی آمریکا، روح‌تان را سُخِم زده است؟ می‌دانم که حتماً سخت خراشیده است، شما را اگر داغان‌تان نکرده باشد. اما هنوز گویا با کور سوامیدی به نفوفاشیست‌های حاکم آمریکا دل‌بسته‌اید. ناله‌های «کمک کمک» و هم زمان صدای دندان غروچه‌ی ناامیدی‌تان به نجات‌بخشی عمو ترامپ‌تان را می‌شنویم.

نقل از

<https://t.me/totoufan>

کانال رسمی تلگرام وابسته به حزب کار ایران - توفان

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



دکتر فریبرز رئیس دانا، درباره خطر احتمالی حمله نظامی به ایران و برخورد به «چپ»‌نماهای نخ‌نما!

دکتر فریبرز رئیس دانا، اقتصاددان چپ مقیم ایران

«آهای چپ‌نماهای نخ‌نماشده‌ی چندنفری در ایران، که می‌شناسیم‌تان، شاه‌اللهی‌ها! کورش‌پرستان! عشق قدرت‌ها، که خواب سوار شدن بر بُرج‌ک تانک جلویی و ظفرنمون به پایتخت آمدن را می‌بینید! حاشیه‌نشینان خودانقلابی خوانده!، که هر دم دو سه روزی بازداشت شده و فریبکاران بازعفوشده، که می‌گوئید «جنگ، جنگ قدرت است» و «صف ما کارگران جداست» و ضمناً، نه کارگری! نه صفی داری و نه اعتباری! خارج‌نشینان مشوق ارتش آمریکا به حمله و انهدام ایران! نتولیرال‌های نوع اسلامی - ایرانی! و اصلاح‌طلب! خوش‌براحوالان، که باد رویای آمدن و انبان پُر کردن از این میهن در رنج در منخرین‌تان افتاده و ای تک چهره‌های قهرمان

هذیان‌گویی دو سازمان شبه ترتسکیست وطنی درباره جنگ و اوضاع منطقه

رادیو هبستگی استکهلم سوئد روز شنبه مورخ ۲۲ اردیبهشت ماه، ۱۱ ماه مه گفتگویی با آقایان «عباس توکل»، رهبر سازمان اقلیت و «حسن حسام»، رهبر و سخنگوی سازمان راه کارگر درمورد تشدید اختلافات ایران و آمریکا و احتمال بروز جنگ و تاکتیک سازمان‌ها و احزاب سیاسی و از جمله مواضع این دو جریان به عمل آورد که جز وراجی‌های شبه ترتسکیستی، بی‌برنامه‌گی، غلوگویی و تلویحاً مثبت ارزیابی کردن از تجاوز نظامی به خاطر تضعیف رژیم و سرنگونی آن در پارکابی امپریالیسم و در قالب «جبهه موهومی سوم» نصیب شنوندگان این رادیو نشده است. در زیر نقد فشرده ما بر محوری‌ترین سخنان این آقایان از نظر علاقمندان می‌گذرد:

یکم اینکه؛ از خوانندگان تقاضا داریم قبل از خواندن این نقد به مصاحبه رادیو هبستگی که لینکش در همین صفحه وجود دارد گوش دهند، تا ابتدا به ادبیات و پرت و پلاگویی‌ها و سخنان پرتناقض و ارتجاعی این دو جریان شبه ترتسکیست و ضدانقلابی در مورد تجاوز احتمالی نظامی به ایران آشنا شوند!

وقتی آنها در این مصاحبه از «دو قطب ارتجاعی» صحبت می‌کنند، منظورشان به طور عمده جمهوری اسلامی است که باید در پارکابی ارتش آمریکا سرنگون شود. این دو سازمان، که نقاب‌شان در کارزار مسخره امپریالیستی «ایران تریونال» افتاد و منابع مالی آنها رو شد و سر «شهرزاد نیوز» از آخور وزارت خارجه هُلند درآمد، مردم را فرا می‌خوانند که در صورت تجاوز نظامی به ایران مقاومت نه‌کنند، بلکه برای اینکه «انقلابی» باشند و سوسیالیسم شورایی و خودحکومتی!! برقرار کنند در پارکابی آمریکا علیه رژیم به‌جنگند! البته آنها به این وضوح که ما دست‌شان را رو می‌کنیم، حرف نمی‌زنند. همه نیروهای ضدانقلاب و هم‌دست صهیونیسم و امپریالیسم حرفه‌ای‌شان دو پهلوی است، زیرا از مردم می‌ترسند. آنها به مردم ایران توصیه می‌کنند، وقتی ارتش آمریکا وارد ایران شد، مردم باید با اسلحه خود هر دو طرف را «نابود» سازند. جنگ داخلی راه بیاندازند و سوسیالیسم؟؟؟ را مستقر کنند. یک تیر هوایی به آمریکائی‌ها و یک تیر خلاص به ارتش ایران!! این دو جریان سیاست و تاکتیک ممانعت از جنگ و تجاوز به ایران را نمی‌پذیرند، چون آنوقت رژیم برسر قدرت می‌ماند!! و از طرف دیگر با وقوع جنگ از مقاومت برای بیرون‌ریختن قوای خارجی پرهیز می‌کنند و به یاری آمریکا برای سرنگونی

رژیم می‌پردازند، زیرا سرنگونی رژیم تحت هر شرایطی عمده است! این در حالی است که تعدادشان به اندازه پنج بند انگشت هم نیست و چون زورشان نمی‌رسد، عملاً از مداخله آمریکا استقبال می‌کنند!

دوم اینکه؛ این دو جریان به خاطر توجیه سیاست ارتجاعی‌شان از جنگ ارتجاعی از هر دو طرف سخن می‌گویند. از کنار نقض «تساوی حقوق ملل» و «حق ملل در تعیین سرنوشت به دست خود ملل» و زورگویی‌های امپریالیستی که توسط آمریکا صورت می‌گیرد، به سادگی می‌گذرند، تو گویی دولت ایران در شریط کنونی دولت امپریالیستی تزار است که درگیر در جنگ جهانی اول برای کسب بازارهای جدید و مستعمرات با سایر رقبایش درجنگ است. این آقایان شبه ترتسکیست هنوز نفهمیده‌اند که ایران کشور امپریالیستی نیست، حتی سرمایه‌داری در آن نیز در همه زمینه‌ها هنوز انکشاف کافی را نیافته است، چه برسد به اینکه سرمایه‌داری ایران به عالی‌ترین مرحله رشد خود، یعنی به مرحله سرمایه‌داری انحصاری امپریالیستی تحول پیدا کرده باشد و سیاست‌اش براساس سیاست سرمایه مالی تعیین شود، ایران در هیچ یک از گروه‌بندی‌های امپریالیستی برای غارت جهان و تقسیم غنایم شرکت ندارد، حتی امپریالیست‌ها ایران را به این دسته‌بندی‌های خود راه هم نمی‌دهند. برعکس ایران همیشه برای امپریالیست‌ها لقمه چرب و نرمی بوده است که بر سر تسلط بر آن، امپریالیست‌ها با هم درافتاده‌اند. سخن بر سر تسلط بر ایران و غارت ایران است. رژیم حاکم در ایران صرف‌نظر از ماهیت فاسد، ارتجاعی و ستمگرانه خویش، تنها از موجودیت و استقلال سیاسی خود دفاع می‌کند. کمونیست‌ها باید تنها بر این اساس تاکتیک‌های انقلابی خویش را تعیین کنند. وضعیت ایران به شرایط روسیه در جنگ اول جهانی شباهتی ندارد، بلکه بیشتر به شرایط جنگ ضدژاپنی در چین شبیه است، با این تفاوت که کمونیست‌های ایران نه ارتش سرخی دارند و نه شخصیتی مورد احترام مردم، به نام مائو تسه دون، که به عنوان نیروئی مستقل و قدزتمند در محاسبات سیاسی به کار آید و امکان مانور سیاسی، به اتکاء این نیروی نظامی و حمایت مردمی در چین و حمایت شوروی در عرصه جهانی دارا باشد. با کوربینی سیاسی کسی انقلابی نمی‌شود.

تئوری «جنگیدن با هر دو قطب ارتجاع»، و «توسل به جنگ داخلی در ایران» یک تئوری ضدانقلابی و غیرطبقاتی و ناقض ماهیت تجاوزکارانه و غارتگرانه امپریالیسم است، که از جانب دارودسته‌های منصور حکمت در ایران برای اسارت خلق ما ساخته و پرداخته شده است. متأسفانه در میان نیروهای اپوزیسیون ایران حتا بخش‌های صمیمی نیز وجود دارند که به کثرت این مسایل واقف نیستند و به نتیجه عملی نهائی این تئوری‌های ارتجاعی و شبه‌انقلابی فکر نکرده‌اند. آنها در راهی گام گذارده‌اند که منصور حکمت نشان داده است. هدف وی حذف لنینیسم و تطهیر امپریالیسم بود. برای وی تنها میلیتاریسم

با رژیم اسلامی عملاً به تجاوز نظامی لیبیک می‌گویند و از برکت «جنگ دو ارتجاع» سود می‌جویند، تا از این طریق و در پارکابی متجاوزین به سرنگونی رژیم پاسخ مثبت دهند، همانطور که اپوزیسیون وطن‌فروش عراقی دادند و به استقبال بمب افکن‌های آمریکایی رفتند.

وظیفه حزب سیاسی طبقه کارگر، که در برنامه‌اش سرنگونی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را هدف قرار داده است، این است که باید فوراً با تغییر شرایط سیاسی و اشغال کشور، تاکتیک جدیدی بر سر مقابله با دشمن خارجی و حل مسئله ملی اتخاذ نماید و برای دفع نیروی متخاصم خارجی به تشکیل جبهه‌ای وسیع بر ضد نیروی متجاوز امپریالیستی مبادرت ورزد، تا به‌تواند در بستر این مبارزه ملی و کسب اعتماد مردم، رهبری جنبش را در دست گیرد. در شرایط کنونی با توجه به آنچه در عراق و لیبی و افغانستان.... روی داد، وضعیت نیروهای انقلابی، که شاهد بودیم، عملاً جبهه‌ای بی‌پایه گرفت، اگر هم گرفت، عمرش کوتاه مدت بود و متأسفانه سرکردگی جنبش مقاومت در دست نیروهای انحرافی قرار گرفت. پیش‌بینی دقیق چگونگی شکل‌گیری جبهه در شرایط یک جنگ و بمباران هوایی کاری بسیار مشکل است و امروز فقط می‌توان به خطوط کلی آن و تبلیغ مقاومت علیه دشمن خارجی بسنده کرد.

تلفیق دیالکتیکی مبارزه دمکراتیک با مبارزه ملی و بر ضد دشمن خارجی و شناخت دقیق از تضادهای جدید در کشور تحت اشغال از جمله وظائف آن نیروی پیشرویی است که باید بدون درغلتیدن به موضع چپ‌روانه و یا راست‌روانه اتخاذ گردد. مطالعه اسناد تاریخی جنبش جهانی ضداستعماری در چین، ویتنام و سایر ممالک آموزنده‌اند....

امروز باید قبل از این فاجعه، که می‌تواند تکرار خطرناک ویرانی ممالک عراق و لیبی و... باشد، به تقویت سیاست ممانعت از تجاوز جنگ و مبارزه علیه تحریم و از سوئی به دفاع از مبارزه مردم برای تحقق حقوق دمکراتیک بر ضد رژیم و پیوند آن در مبارزه علیه امپریالیسم به‌پردازیم و به جلو حرکت کنیم. اینهاست آن نکاتی که دو جریان شبه ترسکیست و منحرف اقلیت و راه کارگر بوئی از آن نبرده‌اند.

http://www.radiohambastegi.se/mobile/interview.php?filename=a.tavakol.h.hes-am_iran.usa190511.mp3

نقل از کانال رسمی تلگرام، وابسته به حزب کار ایران - توفان

آمریکا وجود داشت که می‌شد بر ضد آن مبارزه کرد. وی مخالف ایجاد یک جنبش وسیع ضدامپریالیستی بود. جنبش ضدملیتاریستی باید جایگزین مبارزه ضدامپریالیستی می‌شد. وی تمام مبارزه اجتماعی را از مضمون طبقاتی آن جدا کرد و به خورد جنبش کمونیستی ایران داد. این مجموعه هنوز از تئوری‌های منصور حکمت تغذیه می‌کند و بیمار است.

این عده چه به‌خواهند و چه ناآگاه باشند، در کنار امپریالیسم قرار دارند. آنها خودشان را پشت نقاب مبارزه علیه جنایات جمهوری اسلامی پنهان کرده‌اند و کسانی را که بر ضدامپریالیسم و صهیونیسم برای آزادی ایران پیکار می‌کنند، مدافعان جمهوری اسلامی قلمداد می‌کنند، تا همدستی خویش را با همه سازمان‌های ساخته و پرداخته امپریالیستی، که در زیر عناوین پرطمطراق «حقوق بشر» و یا «حقوق قومیت‌ها»، «ادیان اقلیت» و یا سازمان‌های مشکوک «توسعه دموکراسی» و... پنهان کرده‌اند، به‌پوشانند. برای آزادی مردم ایران و نابودی استثمار تنها یک راه وجود دارد و آنهم پیوند مبارزه دموکراتیک با مبارزه ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی است. مبارزه در راه سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تنها با دست مردم ایران عملی، و نیروهای انقلابی و مترقی و این امر از مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم می‌گذرد.

سوم اینکه اگر احتمال جنگ وجود دارد و این جنگ هم آغازگرش امپریالیسم آمریکا خواهد بود، آنوقت باید هدف را درست تشخیص دهیم تاکتیک و سیاست تبلیغ «ممانعت از تجاوز به ایران» را درپیش گیریم و مسبب اصلی این تنش و جنگ احتمالی را آمریکا به‌دانیم، همانطور که در مورد عراق، افغانستان، لیبی و یا سوریه.... دانستیم.

در عرصه جهانی همه کسانی که با تحریم و تجاوز به ایران و سیاست ممانعت اتفاق نظر دارند، در جبهه جهانی ضد جنگ، که نوک پیکانش علیه دولت جنگ‌طلب و متجاوز است، نشانه می‌رود و به افشاگری و آگاه کردن افکار عمومی می‌پردازند.

چهارم اینکه اگر بر فرض مثال علی‌رغم تلاش ما، تجاوز نظامی صورت گیرد، این جنگ یک تجاوز امپریالیستی و مغایر تمام موازین بین‌المللی و الحاق‌گرایانه است و باید محکوم گردد و همه مردم ایران باید در مقابل نیروی متجاوز خارجی به‌ایستند و دست به مقاومت به‌زنند. هر نیرویی که در مقابل متجاوزین تسلیم شود و مقاومت نه‌کند، خائن به ملت ایران است و همدست قدرت استعماری است. در اینجا دفع دشمن خارجی و متجاوز به یک اصل ملی تبدیل می‌شود و سایر تضادها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تنها در بستر حل این تضاد است که می‌توان به مسائل دیگر، از جمله به حقوق دمکراتیک و عدالت اجتماعی، که امری داخلی است، پاسخ داد. در اینجا دو جریان راه کارگر و اقلیت به خاطر دشمنی

ترامپ و پمپئو هم همان گونه دروغ می‌گویند که او و همدستانش دروغ گفتند.

واقعیت این است که ایران در محاصره قوی‌ترین ارتش جهان با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین سلاح‌های جهانی است. راکت‌های بی‌شماری از همه سوی ایران را نشانه گرفته‌اند. ایرانی که بودجه نظامی‌اش ۴ درصد کل بودجه نظامی امریکا است! کسی مدعی نیست که ایران «بره بی‌گناهیست» اما سوال اصلی سرجای خود باقی می‌ماند: اینجا چه کسی چه کسی را تهدید می‌کند؟!

۲. ترامپ مدعیست که رهبران ایران باعث هرج و مرج، مرگ و ویرانی در خاورمیانه هستند.

او اینجا هم دروغ می‌گوید. این امریکا است که بیش از ۷۰ سال است این کارها را در خاورمیانه انجام می‌دهد. همه با نمونه‌های آن آشنايند.

۳. وزیر امور خارجه ترامپ، پمپئو، ادعا می‌کند ایران با القاعده همکاری می‌کند.

او دروغ می‌گوید. کارشناسان و متخصصان برجسته امنیتی ایالات متحده تاکید می‌کنند که هیچ مدرکی برای اثبات این ادعا وجود ندارد.

۴. ترامپ مدعیست که ایران توافقنامه مربوط به برنامه هسته‌ای ایران (برجام) را نقض می‌کند.

او دروغ می‌گوید. گزارشات سازمان بین‌المللی انرژی اتمی صریحا این ادعا را رد می‌کند. برعکس این ایالات متحده است که با پایان دادن و خروج یکطرفه از «معاهده هسته‌ای»، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را نقض کرده است.

این قطعنامه شورای امنیت همه اعضای خود را به همکاری و حمایت از ایران در اجرای مواد توافق شده (توضیح مترجم: این قرارداد لغو تحریم‌های پیش از امضای توافقنامه را در مورد ایران در نظر می‌گیرد و دیگر اعضای خود را تشویق به حمایت و همکاری در زمینه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای ایران می‌نماید). منتها با وجود این امریکا، مانع اجرای قرارداد است و در روند اجرایی آن اختلال ایجاد کرده است.

۵. پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا، ادعا می‌کند که ایران بخاطر داشتن موشک‌های بالستیک جهت نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل عمل کرده است.

او دروغ می‌گوید! متخصصان و کارشناسان مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک مؤسسه پژوهشی در لندن (اندیشکده حوزه روابط بین‌المللی بریتانیا) ادعای زیرپا گذاشتن برجام از سوی ایران را رد کرده و ضمن بررسی توان موشکی ایران، احتمال توانایی حمل کلاهک هسته‌ای با استفاده از موشک‌های ایرانی را منتفی دانسته‌اند.

۶. بولتون، مشاور امنیتی ترامپ، مدعیست که ایران در آستانه

Mit Lügen zum nächsten Krieg

7 falsche Behauptungen der USA über den Iran

یادداشت زیر نوشته ژورنالیست برجسته آلمانی، یورگن تودنهورف است

«گستاخانه‌ترین دروغ‌های امریکا در جنگ و جدال با ایران»

ریا و دروغ‌گویی کار امروز ایالات متحده امریکا نیست. نگاهی به ویتنام یا عراق خود بهترین گواه است!

نوام چامسکی کشور خود را سردهسته تروریست‌ها و خطری جدی برای صلح جهانی نامیده است.

از آنجایی که ایالات متحده در جنگ با ایران تنها به یک دروغ اکتفا نکرده و لیستی بالا بلند برای ایران درست کرده است، اینجا هفت نمونه از دروغ‌هایش را برای شما برمی‌شمارم:

۱. ترامپ مدعیست ایران امنیت خاورمیانه را به خطر انداخته است و پمپئو حتی ایران را به «آلمان نازی» فاشیستی تشبیه کرد و تهدیدی برای جهان نامید، که باید سرجایش نشانه شود. همه این پیشدرآمدها یادآور زمینه‌سازی‌های جرج بوش و متحدانش برای آغاز جنگ در عراق است.

«دریغ است ایران که ویران شود»

نامه‌ای از ایران ۴ خرداد ۱۳۸۹

در نظام سرمایه‌داری، به ویژه مرحله بالاتر آن، امپریالیسم، هر چیزی، به عبارت دیگر همه چیز، تبدیل به کالا می‌شود! حتی آدمها نیز خرید و فروش می‌شوند، چه رسد به مفاهیمی همچون وطن‌پرستی، وجدان، انصاف و غیره! برای سرمایه‌داری پول حلال همه مشکلات است. امپریالیست‌ها با دلار و یورو و... حمله و کشتار خلق‌ها را «دفاع از حقوق بشر»، اشاعه فرهنگ منحط و مبتذل را «آزادی و دموکراسی»، مبارزان راه استقلال و آزادی را «تروریست»، وطن‌فروشان را عاشق وطن، خائنین و نوکرانش را «آزادی‌خواه» جامیزند!

آدمی وقتی به کانال‌های ماهواره‌ای خارج و تلویزیون‌های داخل نگاه می‌کند، از این همه مزدور، وطن‌فروش، بی‌ریشه، بی‌سواد سیاسی و جفنگ‌گو حیران می‌ماند. گمان نمی‌کنم در تاریخ معاصر ایران این تعداد خائن و سرسپرده بوده باشد! همه اینها نوکران و گماشتگان پول و سرمایه‌اند!! در اینجا باید تأکید کنم، همه آن کسانی که عامدانه و عالمانه راه خیانت به مُلک و ملت ایران را برگزیدند، نباید حق حیات داشته باشند! منظور کسانی است که به بهانه نفرت از رژیم اسلامی انسان‌کش و دزد، آرزوی حمله نظامی به ایران را دارند و آشکارا و نهان از تحریم جنایت کارانه آمریکا حمایت می‌کنند و ملت زحمتکش و شریف ایران را گرفتار کمبود مواد غذایی و تورم و گرانی می‌نمایند. این مزدوران وطن‌فروش چنان مست دلارهای آمریکایی شده‌اند که این همه جنایات امپریالیسم آمریکا، از ویتنام گرفته تا خاورمیانه را نادیده گرفته و تیره‌روزی ایرانیان را فقط و فقط از «اسلام عزیز» می‌دانند، بدون اینکه حرفی از شکست انقلاب ۵۷ توسط امپریالیست‌ها و کودتای جنایت‌کارانه ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت قانونی مصدق به میان آورند؟! چون عرق و رگ و ریشه ملی ندارند!!

و اما سخنی با آنان که اطلاعی کم و یا اصلاً اطلاعی از تاریخ تجاوزات اقوام سیطره‌جو و مبارزات خونین و پُرشکوه پیکارجویان راه آزادی و استقلال ایران زمین ندارند. محتاج توضیح نیست که بررسی تاریخ مبارزات ایرانیان نه در توان من است و نه در حوصله خیال از حافظ:

«خیال حوصله بحر می‌پزد، هیهات _ چه‌هاست در سر این قطره محال اندیش؟»

نگاهی به نقشه ایران، بخصوص به مرزهای آن، چهره شیرینی را تداعی می‌کند که ساکنان آن در طی قرون و اعصار و در پیکار با متجاوزان و کفتاران، آرام و قرار نداشته و زخم‌های فراوانی بر صورت دارند. نه بمانند اکثر کشورهای خاورمیانه که توسط امپریالیست‌ها، مرزهایشان با خط و خط‌کشی مشخص

تولید یک بمب هسته‌ای است.

او دروغ می‌گوید. دن کوتس، رئیس سازمان اطلاعات ملی آمریکا، می‌گوید، ایران هیچ اقدام و تلاشی در زمینه ساخت بمب اتمی انجام نمی‌دهد.

۷. ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران موشک‌های میان‌برد، در اختیار جنگ‌جویان حوثی، گذاشته است که به سوی عربستان سعودی شلیک شده‌اند.

این هم دروغی بیش نیست، چرا که شمال یمن کاملاً تحت پوشش و کنترل نیروهای نظامی است. بخاطر وجود چنین حلقه تنگ محاصره نظامی هر دقیقه یک کودک یمنی می‌میرد.

ادعای ارسال موشک‌های غول پیکر دوربرد بالستیک به حوثی‌های یمن از طرف ایران، با توجه به واقعیات موجود محلی یعنی وجود هزاران پست بازرسی، در همینجا ناکام می‌شود.

موشک‌های شلیک شده توسط حوثی‌ها موشک‌های بُرد کوتاه و احتمالاً از نوع روسی می‌توانند بوده باشند.

سازمان ملل در ترسیم روایات آمریکایی‌ها و سعودی‌ها و اینکه موشک‌ها ساخت کجا هستند، تردید بسیاری دارد.

تحقیقات سازمان ملل متحد درباره قطعات باقی مانده از پرتابه‌ها هیچ مدرک مشخصی در مورد عامل، «واسطه» یا «هویت» سازندگان به دست نداد. با این حال، متوجه شدند که قطعاتی از آن ساخت آمریکا بوده است!

مجموع سخنان ایالات متحده آمریکا گمراه‌کننده و فریب‌دار ابعادی بسیار بزرگ است. نماد این ریاکاری بزرگ سخنان مایک پمپئو اوائل سال جاری مسیحی در دانشگاه قاهره بود.

او گفت: «آمریکا قدرت خوب خاورمیانه است. همین و بس نقطه»!

این دروغ و ریاکاری ترامپ و همدستان‌اش نه تنها تهدیدی برای ایران به شمار می‌رود، بلکه خطری برای اعتماد و باورهای ما به سیستم دموکراتیک‌مان محسوب می‌شود. چگونه می‌توانیم روزی به فرزندان و نوه‌هایمان بگوئیم که این دروغگوها و متقلبین قدرتمندترین نمایندگان دموکراسی جهان هستند...؟ «رهبر جهان آزاد»؟

بیچاره ایران، بیچاره «جهان آزاد»!

ی. ت (یورگن تودنهورف) شما آدرس لینک متن اصلی:

<https://juergentodenhoefer.de>

ترجمه و تکثیر از فعالین حزب کار ایران (توفان) در آلمان •



بیانیه مشترک جهانی در حمایت از کارگران ایران

«چهارشنبه اول ماه مه ۲۰۱۹، در یک گردهم آئی مسالمت آمیز در برابر مجلس، حدود چهل نفر از تظاهرکنندگان (کارگر، دانشجو، معلم، روزنامه‌نگار) مورد خشونت نیروهای انتظامی قرار گرفتند و دستگیر شدند. آنان را به زندان‌های مختلف، از جمله اوین انتقال دادند. تاکنون، بخش بزرگی از بازداشت‌شدگان و عمدتاً با قرارهای کفالت سنگین آزاد شده‌اند.

اما آقای «حسن سعیدی»، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد؛ خانم «مرضیه امیری»، دانشجو و خبرنگار روزنامه شرق؛ خانم «عاطفه رنگریز»، دانشجو؛ خانم «نسرین جوادی»، بازنشسته؛ خانم «ناهید خداجو»، بازنشسته؛ خانم «ندا ناجی»، فعال حقوق زنان و آقایان «کیوان صمیمی»، سردبیر ماهنامه ایران فردا و «فرهاد شیخی»، کارگر، همچنان در زندان به سر می‌برند. همچنین خانم «سپیده قلیان» و آقای «اسماعیل بخشی» از هفت‌تپه، که قبلاً دستگیر شده بودند، هنوز زندانی هستند. ما این اعمال خودکامه علیه کارگران در راه اعاده حقوق اولیه و مطالبات عادلانه‌شان را محکوم می‌کنیم. ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان یادشده در بالا و احترام به حقوق مردم بوده و از فعالیت سندیکائی آزاد در ایران حمایت می‌کنیم. علاوه بر این، مشاهده می‌کنیم که ایران زیر تهدید و تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است. ما اطمینان داریم که هر دخالت خارجی، به هر توجیهی که صورت گیرد، در درجه نخست مردم کشور و به ویژه اقشار فقیر و زحمتکش جامعه ایران را هدف قرار می‌دهد. هم اکنون، این تهدیدها و تصمیمات شرایط زندگی حقوق بگیران را سخت‌تر کرده است. تجربه نشان می‌دهد که نتیجه چنین مداخلاتی برای مردم عادی کشور بسیار مصیبت‌بار خواهد بود. ما علیه هر اقدام جنگی در این منطقه هشدار می‌دهیم.

دیژون، ۱۳-۱۴ مه ۲۰۱۹

گردیدند! بدین جهت و بدین سبب باید تأکید نمود که رژیم جمهوری اسلامی امت‌پرور، ایران نیست!!

در طول تاریخ چند هزار ساله، سرزمین ایران عرصه انواع تاخت و تازهای بیگانگان بوده است. اسکندر، اعراب، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمیان، مغولان، تیموریان، صفویان، قاجاریه، پهلوی‌ها و جمهوری اسلامی. تاریخ هر کدام‌شان را اگر مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم، پی خواهیم برد که یکی از دیگری غارت‌گرتر و آدم‌کش‌تر بودند!!

در مقابل چنین متجاوزان، نگاهی بیندازیم به قیام‌ها و دلاوری خلق‌های این سرزمین. اعم از ترک، فارس، بلوچ، کرد، لر، عرب خوزستان و گیل و دیلم و مازنی.

قیام ابومسلم خراسانی، خوارج، سنبادگیر، اساذسیس خراسانی، المقنع، بابک خرم‌دین، مازیار، قیام صاحب‌الزنج یا قیام بردگان زنگی به قیادت محمد برقی، اسمعیلیان، قمرطیان، یعقوب لیث، سربداران، نقطویان، حروفیان، پسیخانیان، شورش عادل شاه در گیلان، شورش تهی‌دستان تبریز در زمان صفویان، جنبش بایان، جنبش جنگل، قیام ستارخان، انقلاب مشروطیت، قیام ۳۰ تیر و ملی شدن صنعت نفت، قیام افسران خراسان، انقلاب ۵۷، جنبش سال ۸۸، قیام سال ۱۳۹۶ در بیش از صد شهر ایران و این رشته سر دراز دارد و خواهد داشت.

این بود خلاصه‌ای از دلاوری‌های خلق ایران در برابر مهاجمان تاریخ که در کتاب‌ها و منابع مزدوران قلم به مزد از آنها به نام‌های «عوام‌الناس»، «اراذل»، «اوباش»، «هرزه»، «عوامل بیگانه»، «فرب‌خوردگان» اسم برده شده است.

همه این قیام‌ها و شورش‌ها در عرصه سیاسی و نظامی رخ داد. در پهنه مبارزات شگرف و ژرف فکری و ایدئولوژیکی چنان دریای شگفت و اندیشناکی در زمینه ادبیات و نثر و نظم خلق گردید که هیچ غواصی را یارای غوطه خوردن در این اقیانوس افکار و اندیشه‌های تابناک نیست.

ازحافظ:

چرخ برهم زنم ارغیرمادم گردد _ من نه آنم که زبونی کشم
از چرخ فلک.

همه متجاوزان به سرزمین ایران از صفحه روزگار محو شدند، ولی ایران و ایرانی به لطف دلاوری‌ها، میهن‌پرستی‌ها و بیگانه‌ستیزی‌ها پایدار و سرفراز رو به سوی رهایی از زیر یوغ استثمار و استعمار، رو به سوی آزادی و عدالت جمعی دارد. ملت ایران در این مبارزه نابرابر بر علیه حاکمان ستمگر جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های غارت‌گر، بی‌برویر گردد پیروز میدان خواهد بود!

در یاد من آتشی ست از صورت دوست _ ای غصّه اگر تو
زهره داری پا دار •

امضا کنندگان

۱. ادوآردو پررا، دبیر بین‌المللی سندیکای سی تی ا-تی، آرژانتین
۲. مارتا اسکارپاتو، مسئول بخش اروپا، سندیکای سی تی ا-تی، آرژانتین
۳. هوراسیو کاتنا، سندیکای سی تی ا-آ، آرژانتین
۴. نولبرتو دیاز سانچز، دبیر کل سی تی، شیلی
۵. بازی باسولما، دبیر کل س ژ ت ب، بورکینافاسو
۶. ژان مارک بیکو، رئیس سندیکای سی اس پی، کامرون
۷. آن ماری نزیلا، رئیس سندیکای یو اس سی، کنگو
۸. احمدو عبداللہی، دبیر کل سندیکای سی جی تی ام، موریتانی
۹. ایدریسا جیبیرلا، دبیر کل سندیکای سی دی تی ان، نیجریه
۱۰. حواسو، معاون دبیر کل سندیکای سی اس تی ام، مالی
۱۱. دیوف آلیمان، سندیکای سی اس ا، سنگال
۱۲. سوزانا کاموسو، دبیر بین‌المللی، سندیکای سی جی آی ال، ایتالیا
۱۳. سالواتوره مارا، مشاور سندیکای سی جی آی ال، ایتالیا
۱۴. خروس گالگو، دبیر بخش سیاست بین‌المللی سندیکای یو جی تی، اسپانیا
۱۵. کریستینا فاسابین لاکورته، مسئول بین‌المللی سندیکای سی سی او، اسپانیا
۱۶. اونای سوردو کالو، دبیر کل سندیکای سی سی او، اسپانیا
۱۷. دیمیترو هوهان، مشاور رئیس سندیکای سی ان اس ال آر-فراتیا، رومانی
۱۸. فوسه کیسوک، معاون دبیر کل و مسئول بین‌المللی سندیکای زنون، ژاپن
۱۹. جونگ هی-کیونگ، معاون دبیر کل سندیکای ک سی تی یو، کره جنوبی
۲۰. میکیونگ ریو، مسئول بین‌المللی ک سی تی یو، کره جنوبی
۲۱. بلیک هارول، هماهنگ کننده بین‌المللی، سندیکای "یونایتد هیپر"، آمریکا
۲۲. امیرول حق امین، رئیس سندیکای کارگران بنگلادش، سی اس ان
۲۳. رشید معلوی، رئیس سندیکای سی جس ا تی ا، الجزایر
۲۴. عدنان عبدالعلیم رشید الصفار، نماینده سندیکای جی اف آی تی یو، عراق
۲۵. کاسترو عبدالله، رئیس سندیکای فناسول، لبنان
۲۶. اشرف عوار آسی، دبیر کل سندیکای پی جی اف تی یو، فلسطین
۲۷. صلاح قنديل، دفتر مرکزی سندیکای سی دی تی، مراکش
۲۸. یوسف شنول، دبیر بین‌المللی سندیکای کارمندان،

کشک، ترکیه

۲۹. عبدالقادر کمال احمد عباس، هماهنگ کننده عمومی سندیکای سی تی یو اس، مصر
۳۰. محمد الوفی، دبیر کل سندیکای یو ام تی، مراکش
۳۱. آندره فورست، اتحادیه سندیکائی کارگران و استثمار شده گان کاناک، کالدونی جدید
۳۲. مسئولان و نمایندگان بخش های مختلف س ژ ت، همگی از نمایندگان منتخب شعبه های مختلف برای شرکت در پنجاه ومین کنگره از ایالت های مختلف فرانسه:
۳۳. امانوئل ویر، اس دیلیو جی، س ژ ت
۳۴. پی یر لوران،
۳۵. آلیس فلیپی
۳۶. والرئ لوفور فدراسیون بانک و بیمه، س ژ ت
۳۷. آن ژیرودو، س ژ ت استان ۹۲ (سن علیا) فرانسه
۳۸. میلن کازیمیر اف. اس. پ. ب. آ-س ژ ت
۳۹. ژیل رولوبون، او. د. - س ژ ت
۴۰. ژان ظی یر سولوه، اس. پ. ب. آ-س ژ ت
۴۱. لئیا پورو
۴۲. فابین مونیو
۴۳. آنائیس تریکوآ
۴۴. والرئ میسیلا
۴۵. کریستف بیسفتی
۴۶. اولیویه ببین
۴۷. کاترین برنار
۴۸. پی یر پیو کین
۴۹. شیخ بوسو
۵۰. فرانسواز دوم
۵۱. شروتین نورو
۵۲. سخنگوی بخش راه آهن س ژ ت
۵۳. سسیل مارشان
۵۴. ژیل بناتو
۵۵. میشل کوفر
۵۶. ملن سباشی
۵۷. ونسان کوترون
۵۸. آلن دولوما، مشاور آفریقا در س ژ ت مشاور فدرال بخش بین‌المللی
۵۹. ژان-میسل تیرون
۶۰. فلورانس بروسار
۶۱. شانتال ریزون
۶۲. اولیویه من فروآ
۶۳. سیمون ن. تی یل
۶۴. نجات فروز، مسئول خاورمیانه س ژ ت
۶۵. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۸ ماه مه ۲۰۱۹



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار کارگری اردیبهشت ماه

زندانی کردن کارگران و همه انسان‌های آزادی‌خواه و برابری طلب جنایت است! تجمع اول ماه مه، برگ زرینی شد در تاریخ جنبش کارگری ایران

اردیبهشت امسال به ماه مبارزه کارگران و مزدبگیران علیه سرمایه‌داری تبدیل شد و برگ زرینی به تاریخ مبارزات کارگری ایران افزود. کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و جوانان، متحد و متشکل به نمایش قدرت مبارزاتی خود دست زدند و چنان وحشتی به سرپای نظام سرمایه‌داری انداختند که دستگاه پلیسی جمهوری اسلامی وحشیانه به تنها پاسخی که می‌داند، روی آورد و در سرکوب و خاموش ساختن آتش مبارزات کارگران و مزدبگیران، سعی و تلاشی دیوانه‌وار از خود نشان داد. ولی سردمداران نظام مقدس سرمایه‌داری اسلامی غافل از آنند که سیل بنیان‌کن مبارزات طبقات فرودست در آغاز راه است و کسی را یارای آن نیست که با تهدید، فریب، اتهام زنی، نمایش‌های دروغین تلویزیونی، زندان و غل و زنجیر خللی در اراده آهنین زحمتکشان ایجاد کند و سدی در مقابل خروش بنیان‌کن آنان بسازد. زحمتکشان ایران به درستی دریافته‌اند که تنها با اتحاد و تشکل و در اتحاد با طبقه کارگر آگاه و مبارز می‌توان به جنگ دژخیمان سرمایه‌دار رفت و به جز رفتن در راه «مبارزات طبقاتی»، چاره دیگری ندارند.

زحمتکشان دریافته‌اند که تنها راه، مبارزه متحد و متشکل است و نیز دریافته‌اند که دشمن غدار برایشان هیچ چیزی غیر از زنجیر بردگی باقی نگذاشته است. پیوستن به تشکلات مستقل و ارتباط ارگانیک و متشکل تشکلات گوناگون با یکدیگر و

رهبری مبارزات، تحت نام «طبقه کارگر»، تنها راه نجات از سیستم برده‌دارانه سرمایه‌داری است و راه دیگری وجود ندارد. در اردیبهشت ماه مبارزات کارگری ادامه یافت که در ذیل به بخشی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

هفت تپه

۸ اردیبهشت

«اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان» و «امیر امیرقلی» به زندان اوین انتقال داده شدند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت «اسماعیل بخشی» و «سپیده قلیان» و دیگر کارگران دربند، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی کارگران زندانی شد.

اتهام «اسماعیل بخشی» دفاع از حقوق و معیشت خود و دیگر کارگران هفت تپه است. اما برای خاموش کردن صدای او، در اطلاعیه سندیکا آمده است: «انواع اتهامات امنیتی زده‌اند و سعی دارند او را بر ضد کشور معرفی کنند. ما کارگران هفت تپه اسماعیل بخشی را نماینده خود می‌دانیم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و بازگشتش به سر کار می‌باشیم».

۱۰ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعلامیه‌ای برای اعتراضات کارگری در روز کارگر، به کارگران چنین رهنمود داد؛ «همکاران در روز کارگر، یازده اردیبهشت، از اسماعیل بخشی به هر شکلی که می‌توانیم اعلام حمایت کنیم با یک دقیقه دست از کار کشیدن، یا به صدا درآوردن سوت کارخانه و هر نوع رفتاری که نشان دهنده قدرت اعتراض ما کارگران

افراد جامعه، یعنی زنان، دست به تجمع مسالمت‌آمیز زدند که متأسفانه طبق روال معمول مورد حمله مخالفان آزادی قرار گرفت. اعتراض دانشجویان در دفاع از مطالبات صنفی و بر حق، شایسته‌ترین حمایت‌هاست. ... سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست دانشجویان، سرکوب جنبش دانشجویی را محکوم کرده و همصدا با خواهران و برادران دانشجو تکرار خواهیم کرد: «نان، کار، آزادی، پوشش اختیاری!»

شش نفر دیگر از کارگران نیشکر هفت تپه، توسط پلیس اطلاعات امنیت بازداشت و به زندان دزفول انتقال داده شده‌اند.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان به قرار زیر است: ۱- فیصل تعالی ۲- سید اسماعیل جعاوله ۳- عادل سماعی ۴- رستم عبدالله‌زاده.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه خواهان آن است که به احضار، تهدید، بازداشت و زندانی کردن کارگران هفت تپه خاتمه داده شود و کلیه کارگران زندانی سریعاً آزاد گردند. به جای زندانی کردن و ایجاد رعب و وحشت بهتر است جواب‌گوی خواست و مطالبه کارگران باشید. جای کارگر در زندان نیست!

۲۵ اردیبهشت

احضار «علی نجاتی»، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، از طرف دادسرای اوین.

۲۹ اردیبهشت

تمام کارگران بازداشتی هفت تپه، که در روزهای اخیر در جریان اعتراض در محوطه کارخانه بازداشت شده بودند، همگی با قرار کفالت و وثیقه آزاد شدند.

شرکت واحد

۴ اردیبهشت

فراخوان سندیکای شرکت واحد تهران به تجمع در مقابل مجلس در روز جهانی کارگر.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به خاطر گرامیداشت روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۹۸) و در اعتراض به تعیین دستمزد زیر خط فقر، گرانی و تورم افسارگسیخته مایحتاج اولیه و معیشت کارگران، بازنشستگان و تمام مزدبگیران، ممانعت از ایجاد سندیکا و دیگر تشکلهای مستقل کارگری، خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش و پرورش، قراردادهای سفید امضاء، تبعیض و نابرابری حقوق زن و مرد، افزایش بی‌رویه کودکان کار، بازداشت یا زندانی کردن کارگران و معلمان و دیگر فعالین صنفی، که بخش عظیمی از کارگران و قشر فرودست جامعه را دربرمی‌گیرد، در مقابل مجلس (میدان بهارستان) تجمع برگزار می‌کند.

به زندانی شدن نماینده‌مان است، اعتراض کنیم. در این روزها به دیدن خانواده اسماعیل بخشی برویم تا خانواده‌اش بدانند که کارگران هفت تپه علیرغم همه فشارها و تهدیدها نماینده واقعی خود را تنها نمی‌گذارند».

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر

اطلاعیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

«برگزاری روز جهانی کارگر حاصل تلاش، مبارزه و فداکاری کارگران در ایران و سراسر جهان می‌باشد».

گرامیداشت این روز نیاز به کسب هیچ مجوزی ندارد، چرا که ما ۳۶۵ روز در سال به وحشیانه‌ترین شکل ممکن استثمار و مورد بی‌حقوقی قرار می‌گیریم. پس این حق طبیعی ما کارگران است که در این روز دست از کار کشیده و با حضور در کوچه و خیابان‌ها، به این مناسبات پر از تبعیض اعتراض کنیم.

حضور ما در خیابان جرم نیست، هیچ کسی در هیچ مقامی نباید این اجازه را داشته باشد که کارگران و حامیان کارگر را به دلیل حضور در تجمعات کارگری و روز جهانی کارگر بازداشت و زندانی کنند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، بازداشت کارگران و فعالین و دلسوزان طبقه کارگر در روز جهانی کارگر را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط این عزیزان می‌باشیم.

۱۹ اردیبهشت

کارگران هفت تپه در اعتراض به وضعیت قراردادهای مطالبات معوقه و تقاضای انحلال «شورای اسلامی» دست به اعتصاب زدند.

«نه به کاظمی، نه به اسدیگی، نه به شوراهای اسلامی کار!»

۲۰ اردیبهشت

نیروهای امنیتی که شدیداً از اعتصاب مجدد در هفت تپه وحشت کرده‌اند، با ده‌ها کارگر تماس گرفته و آنها را تهدید و همچنین ۴ کارگر را بازداشت کردند.

۲۲ اردیبهشت

اسامی تعدادی از کارگران که در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند به قرار زیر است: ۱- امید آزادی ۲- صاحب ظهیری ۳- ناصر نعمانی ۴- کیانی نژاد ۵- حسین انصاری

۲۴ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به حمایت از جنبش دانشجویی در اطلاعیه خود آورده است که «... در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه، تعداد قابل توجهی از دانشجویان در تهران در دفاع از «پوشش اختیاری» و در دفاع از مطالبات نیمی از

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از تمام همکاران محترم اعم از رانندگان، کارگران تعمیرگاه‌ها، پرسنل اداری و خدماتی، کنترلین و بازنشسته‌ها درخواست دارد جهت برگزاری هر چه باشکوه‌تر روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) روز چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح در مقابل مجلس (بهارستان) حضور بهم رسانند.

گرامی باد اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

۷ اردیبهشت

چهار تشکل مستقل کارگری با صدور بیانیه مشترکی مطالبات کارگران را اعلام و همگان را به اتحاد و عمل مشترک در روز کارگر فراخواندند. در این بیانیه آمده است که: «... نظام سرمایه‌داری در ایران بر مبنای ضرورت و تابعیت از مناسبات جهانی و تحت تأثیر بحران اقتصادی و عقب‌ماندگی مناسبات سرمایه‌داری داخلی، همواره به خشن‌ترین شیوه‌های سیاسی و اقتصادی در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران و مطالبات انبوه و پایمال شده آنان، توسل جسته است.

این استثمار و خشونت نه تنها بر کارگران صنعت، معدن و کشاورزی بلکه بر سطح معیشت و شرایط اسفبار زندگی کارکنان رشته‌های مختلف خدمات و از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و... نیز وارد گشته و صف‌بندی مشترک و مبارزه پیگیر در جهت کسب مطالبات را متمرکزتر ساخته است...»

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، بیکاران، دانشجویان و جوانان دعوت می‌کنیم با تجمع و همبستگی، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) را روز اعتراض نسبت به شرایط غیرانسانی موجود و طرح مطالبات برحق خود قرار دهیم...»

و در پایان ۱۴ خواسته خود را مطرح کرده‌اند از جمله مطالباتی که این ۴ تشکل مستقل کارگری مطرح کردند، می‌توان به مطالبه دستمزد ۷ میلیون تومانی به عنوان حداقل دستمزد برای کارگران و همچنین بازنشستگان اشاره کرد. همچنین به رسمیت شناختن حق تشکل و سندیکا برای کارگران، آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و صنفی، برقراری بیمه بیکاری برای تمامی بیکاران، لغو قراردادهای سفید امضاء، آموزش رایگان، بهداشت و درمان رایگان، لغو هر نوع تبعیض جنسیتی و نژادی از جمله مطالبات مهم مطرح شده در این بیانیه بود.

بعد از انتشار این بیانیه، کارگران پروژه‌های پارس جنوبی، کارگران پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و بندر امام، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری شوش و اندیمشک و جمعی از کارگران محور تهران- کرج در بیانیه‌ای مشترک از بیانیه مشترک این ۴ تشکل حمایت کردند و بر لزوم اتحاد کارگران برای دستیابی به مطالبات مشترک تأکید کردند.

همچنین در بیانیه مشترک اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای، بازنشستگان سندیکای بافنده‌سوزنی، بازنشستگان فلزکار- مکانیک، جمعی از کارگران صنف فلزکار و مکانیک و در بیانیه کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، شورای بازنشستگان ایران، قطعنامه سندیکای نقاشان البرز نسبت به اختلاس‌ها و همچنین بی‌کفایتی دولت در رسیدگی به وضعیت مردم مناطق سیل‌زده اشاره شده بود.

۹ اردیبهشت

شماره دهم «پیک سندیکا» پس از انتشار، دوشنبه نهم اردیبهشت در بین رانندگان و کارگران شرکت واحد توزیع شد.

۱۱ اردیبهشت

روز کارگر اول ماه مه

تجمع کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و... به مناسبت اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر در مقابل مجلس در تهران برگزار شد.

به دنبال فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی و دانشجویان برای برگزاری مراسم روز کارگر در مقابل مجلس، کارگران و بازنشستگان در گروه‌های مختلف در مقابل مجلس حضور یافتند

تجمع با شعار «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد» شروع شد. بعد از حدود یک ربع از شعاردادن جمعیت، نیروی انتظامی و لباس شخصی‌ها به کارگران شرکت واحد حمله کردند و سعی در دستگیری آنان داشتند که با مقاومت جمعیت روبرو شدند.

جمعیت با شعار «اعتصاب، تجمع، تشکل، حق مسلم ماست»، مقاومت نموده که دوباره مأموران هجوم آوردند و به ضرب و شتم کارگران و دانشجویان و بازنشستگان پرداختند و در حالی که وحشت سراپای رژیم فاسد جمهوری اسلامی ایران را فرا گرفته است، بیش از ۴۸ تن را بازداشت کرده‌اند.

اسامی دستگیرشدگان در تظاهرات امروز اول ماه مه: «رضا شهابی»، «حسن سعیدی»، «ناصر محرم‌زاده»، «وحید فریدونی»، «فرحناز شیری»، «فرهاد شیخی»، «رسول طالب‌مقدم»، «اسدالله سلیمانی»، «محمدعلی اصلانی»، «کامیار فکور»، «مرداس طاهری»، «محسن سلیمانی‌نژاد»، «هادی سلیمانی»، «مهدی عظیمی»، «ماهان صالحی»، «قاسم خالویی»، «محمد اصلاغی»، «الهام صالحی»، «آیسا اسداللهی»، «امیر محمد طاهری»، «کیوان صمیمی»، «داوود رفیعی»، «ناهید خداجو»، «نسرین جوادی»، «مهدی فخری»، «مرضیه امیری»، «سمیرا امیری»، «خرسندی»، «علی یآوری»، «حسین مرادی»، «علی مریخی»، «محسن حادث»، «افشین میرزاخانی حادث»، «سعید رضائی»، «اکبر جمشیدی»، «حمید سلیمی»، «نیما ویژه» و «حسنا ویژه».

شد.

۱۷ اردیبهشت

سندیکاهای کارگری فرانسه خواستار آزادی بازداشت‌شدگان روز کارگر شدند.

۲۰ اردیبهشت

«رضا شهابی» عازم پاریس شد.

«رضا شهابی» از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد برای شرکت در کنگره سندیکای «س ژت» در روزهای ۱۴ تا ۱۷ ماه مه، که در شهر دیژون فرانسه برگزار می‌شود به عنوان نماینده سندیکای کارگران شرکت واحد عازم پاریس شد.

۲۱ اردیبهشت

«سید رسول طالب مقدم» از زندان اوین آزاد شد.

۲۲ اردیبهشت

تجمع اعتراضی تعدادی از خانواده‌های بازداشتی روز جهانی کارگر مقابل زندان اوین.

۲۳ اردیبهشت

«رضا شهابی»، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در پنجاه و دومین کنگره کنفدراسیون عمومی کارفرانسه در شهر دیژون فرانسه، که با حضور نمایندگان سندیکاهای کشورهای مختلف جهان برگزار گردید، سخنرانی کرد.

«رضا شهابی» در بخشی از سخنرانی خود گفت: «من شدیداً نگران دیگر دوستان و کارگران و دانشجویانی هستم که تنها به دلیل شرکت در تجمع مسالمت‌آمیز روز جهانی کارگر دستگیر شده‌اند. ... امروزه مسئله داشتن تشکلهای مستقل کارگری در ایران به امری فوری تبدیل شده است و مورد توجه پیشروان کارگران قرار گرفته است، ولی حاکمیت ایران هرگونه اقدام کارگران برای تشکلیابی را مورد حمله و سرکوب قرار می‌دهد. ... سال پیش بنا به آمار رسمی در ایران ۱۷۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری و حقوق بگیران اتفاق افتاده است. ... این کلکتیو و نحوه همکاری رفیقانه آن با فعالان سندیکایی ایران تبدیل به مدلی برای دیگران شده است. ما به این همبستگی در سایر کشورها احتیاج داریم. ... در پایان صحبت‌های اشاره‌ای هم به موضوعات جهانی و منطقه‌ای کنم: ما کارگران با جنگ‌افروزی‌های دولت‌های سرمایه‌داری در جهان و مخصوصاً در خاورمیانه مخالفیم. تهدید نظامی و تحریم جز خراب‌تر کردن وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان ایران، عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، فلسطین و... ندارد. ما کارگران به پشتیبانی هیچ یک از بلوک‌های سرمایه‌داری توهم نداریم، بلکه به همبستگی کارگران و حقوق بگیران جهان احتیاج

امسال در مقایسه با سال‌های قبل، افراد زیادی از روز جهانی کارگر استقبال کردند و مراسم روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف برگزار شد. در تهران نزدیک به ۵۰۰ نفر در میدان بهارستان، روبروی مجلس تجمع کردند. و در شهرهای شوش، مریوان و سنندج نیز کارگران روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. کارگران و فعالین کارگری با حرکت هماهنگ و شجاعانه اتحاد و قدرت خود را نشان دادند و لرزه بر اندام سیستم سرمایه‌داری حاکم انداختند.

«اتحادیه ملی هلند» خواستار آزادی فعالان کارگری در ایران شد.

۱۲ اردیبهشت

خانواده‌های بازداشت‌شدگان در مراسم روز جهانی کارگر در مقابل مجلس در مقابل زندان اوین دست به تجمع زدند.

«کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری نروژ» با محکوم‌ساختن سرکوب و بازداشت فعالان کارگری، خواستار پایان بخشیدن به سرکوب و آزادی بازداشت‌شدگان شد.

۱۳ اردیبهشت

«پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد» با صدور بیانیهای دستگیری و بازداشت کارگران، معلمان و دانشجویان را محکوم ساخت و خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری کارگران، معلمان و فعالین حقوق مدنی زندانی، پایان دادن به انتساب اتهام واهی تهدید علیه امنیت کشور به مبارزات کارگری، پایان دادن فوری به ادامه اذیت و آزار، شکنجه و اجراء احکام قرون وسطایی بمانند شلاق، برسمیت شناختن اتحادیه‌های آزاد و مستقل به عنوان نمایندگان قانونی و رسمی کارگران شد.

«اتحادیه معلمان انگلستان» خواستار آزادی دستگیرشدگان روز جهانی کارگر شد.

۱۴ اردیبهشت

«کامیار فکور»، «مرداس طاهری»، «علی یاور»، «محمد اخلاقی»، «افشین میرزاخانی»، «سهیل خدابخش»، «محمد رضا پناهی»، «محمد عادل فرد»، «محمدعلی اصلاقی»، «مهدی فخری»، «آینشا اسداللهی»، «زهرا تهرانی»، «لیلا ناصری وندی» و «ماهان صالحی» به قید کفالت از زندان آزاد شدند.

۱۵ اردیبهشت

«رسول بدائی»، «وحید فریدونی» و «ناصر محرم‌زاده» از زندان آزاد شدند.

۱۶ اردیبهشت

«رضا شهابی»، از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از زندان اوین آزاد

داریم».

۲۸ اردیبهشت

ده‌ها تشکل کارگری بین‌المللی در همبستگی با جنبش و فعالان کارگری ایران، در پنجاه و دومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار - «س ژ ت»، دیژون فرانسه بیانیه مشترکی صادر کردند.

فرهنگیان

۲ اردیبهشت

معلمان در اعتراض به عدم دریافت حق مأموریت خود و مطالبه استعفای وزیر آموزش و پرورش در برابر ساختمان آموزش و پرورش تهران تجمع کردند.

۳ اردیبهشت

«اصغر امیرزادگان»، معلم اهل شیراز با قرار کفالت آزاد شد.

۴ اردیبهشت

معلمان مدارس خارج از کشور دوشنبه، دوم اردیبهشت، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش با در دست داشتن پلاکاردهائی حاوی مطالبات‌شان گرد هم آمدند و با سر دادن شعار، «خواستار پرداخت شش ماه حقوق و یک سال حق مسکن معوقه» خود شدند. تجمع کنندگان شعار می‌دادند: «وزیر ناکارآمد! استعفا! استعفا!»

۱۲ اردیبهشت

با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معلمان کشور دست به تجمع زدند. تجمع اعتراضی معلمان در تهران، سنندج، یزد، کرمانشاه و بیش از ۴۰ شهر دیگر در ۱۵ استان برگزار گردید، که در بعضی از شهرها این حرکت مدنی مسالمت‌آمیز با یورش نیروهای سرکوب‌گر رژیم به خشونت کشیده شد و تعدادی از معلمان دستگیر و روانه بازداشتگاه شدند.

مأ موران امنیتی به تجمع اعتراضی معلمان در تهران حمله کردند و چند تن از اعضای کانون صنفی معلمان تهران را بازداشت نمودند.

نیروهای امنیتی و انتظامی در جریان یورش به تجمع مسالمت‌آمیز معلمان و فرهنگیان فرهیخته کشورمان در تهران، «منیره عبدی»، همسر «اسماعیل عبدی»، فعال زندانی حقوق صنفی معلمان را مضروب کردند.

سه نفر از اعضای هیأت مدیره کانون صنفی معلمان تهران به نام‌های «محمد فلاحی»، «رسول بداقی» و «مجتبی قریشیان» توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

فرهنگیان بازنشسته در استان‌های یزد، تهران، همدان، مازندران، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمانشاه، اصفهان، کردستان

و ... دست به تجمع زدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای تحت عنوان «قطعنامه پایانی تجمع روز معلم» در ۹ بند مطالبات خود را اعلام داشت.

از جمله خواسته‌های فرهنگیان و معلمان می‌توان به این موارد اشاره کرد: «آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالان صنفی و معلمان زندانی. توقف پرونده سازی علیه فعالان صنفی. برقراری حقوق معلمان فعال صنفی محکوم به حبس، اخراج و قطع حقوق شده. هم‌ترازی حقوق بازنشستگان با شاغلان. پرداخت به موقع حق‌الزحمه نیروهای قراردادی و اضافه کار نیروهای رسمی و پاداش پایان خدمت فرهنگیان به صورت یکجا، بخصوص بازنشستگان سال ۹۷ تأکید بر امنیت شغلی نیروهای غیررسمی. افزایش حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل به بالای خط فقر و ...»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران همچنین از دولت و نهادهای حکومتی خواسته است که نسبت به بازسازی و ایمن‌سازی مدارس و مراکز آموزشی مناطق سیل‌زده بی‌تفاوت نباشند و به وضعیت دانش‌آموزان و فرهنگیان در مناطق آسیب‌دیده از سیلاب رسیدگی ویژه نمایند.

۱۴ اردیبهشت

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران با صدور اطلاعیه‌ای ضمن محکوم نمودن سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز معلمان، خواهان آزادی بدون قید و شرط معلمان بازداشتی شد.

۲۳ اردیبهشت

نیروهای امنیتی با هجوم به منازل شخصی آقایان «حسین سلامی» و «محمد صادق وفایی» «علیرضا قربانی» اعضای هیأت مدیره‌ی کانون صنفی معلمان مازندران وسایل شخصی آنان از جمله گوشی موبایل، تبلت، لب‌تاپ را ضبط کرده‌اند.

همچنین از این دو فعال صنفی خواسته شده تا امروز ۲۴ اردیبهشت ساعت ۱۱ صبح خود را به اداره اطلاعات ساری معرفی کنند.

۳۰ اردیبهشت

«یاسر امینی آذر»، معلم مهابادی، که یک هفته پیش به خاطر فعالیت صنفی توسط اداره اطلاعات مهاباد بازداشت شده بود، با سپردن وثیقه آزاد شد.

۳۱ اردیبهشت

شماری از بازنشستگان فرهنگی، در اعتراض به برآورده نشدن مطالبات خود، در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

شهرداری

۳ اردیبهشت

کارگران منطقه پنج شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌شان دست به اعتصاب زدند

۸ اردیبهشت

کارگران شهرداری کوت عبدالله به علت عدم دریافت چند ماه حقوق مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

۱۵ اردیبهشت

جمعی از کارکنان فضای سبز شهرداری منطقه ۸ اهواز روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت با حضور مقابل ساختمان شهرداری این منطقه خواستار پرداخت مطالبات خود شدند.

۳۱ اردیبهشت

کارگران سازمان پسماند شهرداری کرج از اجتماع به دلیل حضور پزشک طب کارگری برای معاینات پزشکی بهره گرفتند و اعتراض‌شان را نسبت به عملکرد پیمان‌کاران و ناظرین به نمایش گذاشتند.

جمعی از کارکنان شهرداری منطقه سه تبریز در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت، قراردادهای کوتاه مدت و نداشتن بیمه دست به تجمع مقابل ساختمان مرکزی شهرداری زدند.

دیگر کارگران

۲ اردیبهشت

شماری از مراقبین سلامت طرح پزشک خانواده استان فارس در اعتراض به عدم امنیت آینده شغلی، عدم پرداخت حق بیمه و سنوات، عدم برخورداری از حداقل حقوق پایه اداره کار و عدم برخورداری از سرانه‌های مصوبات طرح پزشک خانواده مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تجمع کردند.

کارخانه قند شوش

۳ اردیبهشت

بیش از سیصد نفر از کارگران شرکت قند شوش، به علت عدم پرداخت دست‌مزدهای، دی، بهمن و اسفند ماه سال ۹۷ و همچنین دست‌مزد فروردین ۹۸ از صبح سه‌شنبه، سوم اردیبهشت ماه، روبروی حراست شرکت دست به تجمع زدند.

۶ اردیبهشت

در پارک جهان‌نما واقع در اتوبان تهران کرج، تعدادی از فعالین کارگری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. اسامی برخی از بازداشت‌شدگان: «پروین محمدی»، «علیرضا ثقفی»، «هاله صفرزاده»، «واله زمانی»، «سعید ترابیانی»، «فواد فتحی»،

«مصطفی شوکت»، «امیر عباسی»، «صفی‌ار قربانی».

۱۷ اردیبهشت

کارگران کارخانه قو دو ماه است که حقوقی نگرفته‌اند. آنها خواستار پرداخت حقوق معوقه خود و بازگشایی کارخانه هستند.

کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن نورآباد و شازند اراک در اعتراض به تعویق مطالبات خود از روز سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت دست به اعتصاب و تجمع زده‌اند.

کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن در اسلامشهر، رباط کریم و فرودگاه نیز از روز ۱۵ اردیبهشت به دلیل مشابهی در اعتصاب بوده‌اند.

۲۹ اردیبهشت

کارکنان بیمارستان صنایع پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به خصوصی‌سازی این مرکز درمانی اعتصاب کردند.

۳۰ اردیبهشت

اعتصاب کارکنان راه‌آهن اراک - شازند - نورآباد در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه‌شان امروز در حال انجام است.

۳۱ اردیبهشت

شماری از کارکنان متروی تهران، در اعتراض به پیمانی‌شدن و خارج‌شدن از قرارداد رسمی، در محوطه‌ی ساختمان شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

گروهی از کارگران شاغل در کارخانه «آذر آب اراک» در اعتراض به بی‌توجهی مدیران کارخانه در پرداخت مطالبات معوقه خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران آذرآب اراک امروز ۳۱ اردیبهشت برای اعتراض به ۳ ماه حقوق معوقه اولین بار پس از سال ۹۶ به خیابان‌های شهر آمدند. بلافاصله بعد از شروع این تظاهرات و قبل از آنکه به همراهی شهروندان بکشد، فرماندار اراک وارد عمل شد و دستور پرداخت فوری حقوق اسفند را داد و تعهد کرد که ظرف ۲۴ ساعت، دست‌مزد دومین ماه معوقه را هم واریز کند.

این حد از سرعت عمل در واریز تنها یک معنا دارد و آن این است که کارگران آذرآب هنوز با تکیه به دست‌آورد اعتراضات خیابانی مشترک‌شان با کارگران هپکو در سال ۹۶، عقب‌نشینی را به مقامات تحمیل می‌کنند.

جمعی از کارگران پالایشگاه در حال احداث گاز بیدبلند ۲ بهبهان در اعتراض به آینده شغلی نامطمئن‌شان دست به تجمع در محل کارشان زدند و با به نمایش گذاشتن اعتراض‌شان نسبت به اخراج از کار، خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود شدند.

جعلیات را باور نه کنید!

متأسفانه جعلیات امپریالیستی - صهیونیستی برای عده‌ای نادان عین حقیقت است، به «سند» زیر که در رادیو اسرائیل و دیگر رسانه‌های مشابه پخش شد، توجه کنید:

باراک اوباما ۲۰۰ میلیارد دلار تحویل ملاها داد و این پول امروز در سه جنگ برون مرزی هزینه می‌شود!! نان ملت در سوریه هزینه می‌شود، پس بگو: سوریه را رها کن! فکری به حال ما کن!

برخی از مردم تشنه و گرسنه و فاقد رهبری سیاسی در عین حال که شعار می‌دهند: «سوریه را رها کن! فکری به حال ما کن!» شعار دیگری نیز می‌دهند که بر بستر واقعیت جاری صلاً داده می‌شود و آن: «یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه!»

پس مشکل اصلی دزدی و اختلاس است.

بحران اقتصادی ایران و فقر و شکاف طبقاتی و اختلاس ربطی به حمایت رژیم از سوریه، لبنان، فلسطین و یا یمن ندارد، کمتر از ۲ درصد از بودجه نظامی سالیانه ایران صرف امنیت دفاعی در خارج از مرزهای ایران می‌شود. بودجه سالیانه نظامی ایران طبق گزارش انجمن صلح سوئد ۱۶ میلیارد دلار است. در حالی که بودجه دفاعی عربستان ۷۶ میلیارد دلار در سال است.

حال دقت کنید ۲ درصد از کل ۱۶ درصد بودجه نظامی ایران کجا و ۲۰۰ میلیارد دلار پول موهومی که هرگز چنین رقمی تحویل ایران داده نشد، کجا!!

مشکل اقتصادی مردم ناش از سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی رژیم است که از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تحت نام تعدیل اقتصادی آغاز گردید و امروز مردم ایران را به خاک سیاه نشانیده است. اختلاس و دزدی و فساد و غارت اموال عمومی مردم و پائین نگاه‌داشتن دستمزدها و افزایش حقوق مدیران و روسای بالائی و عدم دریافت هرگونه مالیات از اغنیا و ثروتمندان... اینها همه از تبعات نظام سرمایه‌داری و در شکل نئولیبرالیسم است که فاجعه به بار آورده است و ربطی به سوریه و فلسطین ندارد.

چه خوب گفت ظریفی: ملت فاقد تشکل و تشکیلات ساده لوح است زود باور است، دهن‌بین است و نادان و هر روز به هر سمت و سویی درمی‌غلند!

به هوش باشیم!

پس:

چاره درد آگاهی و تشکیلات است و جز این نیست! •
کانال رسمی تلگرام توفان <https://t.me/totoufan>

جمعی از جنگلبان شمال در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی به دنبال تغییر پیمانکار مقابل فرمانداری شهرستان نور تجمع کردند.

کارکنان رسمی و غیر رسمی صنعت نفت در ماهشهر به خصوصی سازی بهداشت و درمان صنعت نفت اعتراض کردند.

کشاورزان

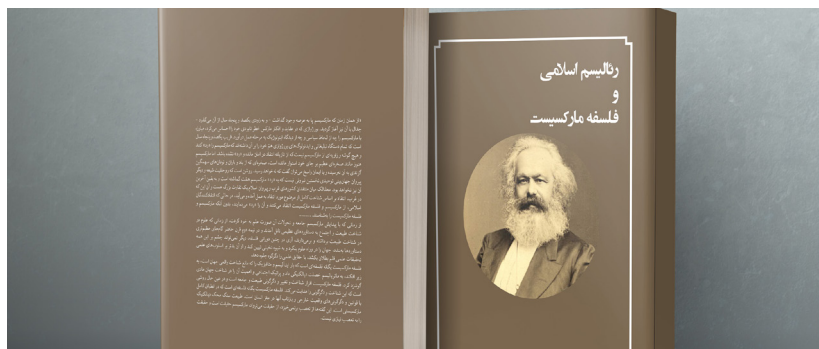
۱۶ اردیبهشت

گروهی از کشاورزان شهرستان نقده، در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماهه مطالبات‌شان در مقابل ساختمان کارخانه قند این شهرستان، تجمع کردند.

مبارزه طبقاتی نه تنها خاموش‌شدنی نیست که مدام در حال تکامل نیز می‌باشد. راهی که کارگران و زحمتکشان در مبارزه متشکل می‌روند، با ایجاد اتحادیه سراسری ادامه خواهد یافت و در نهایت با رهبری حزب آگاه و مسلح به ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم به سوسیالیسم ختم خواهد شد.

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



در باب شغل روحانیت در آینده ایران

یک کشور و دستبردزدن به بیت‌المال و چاپیدن مردمان و خالی کردن جیب ملت، برای مردمان جهل و نادانی و خرافات به ارمغان می‌آورند و ویران کردن پایه‌های اخلاقی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی، ورزشی و علمی یک مُلک، از جمله خدمات برجسته آنان به جامعه‌ای است که در آنان به دین‌فروشی مشغول‌اند.

جامعه باید شغل شریفی برای روحانیون پیدا کند، این شغل‌های شریف می‌توانند کار در معادن و صنایع کشاورزی و الکترونیکی، کار در بخش خدمات اداری و بانکی و دفتری و آموزشی، کار در رستوران، آشپزی و نظافت، کار در شهرداری و نظافت خیابان و بازار و پارک‌های عمومی، کار در بخش ترابری و سرویس‌های راه و جاده و راه‌آهن، کار در نانوائی‌های بزرگ و کوچک تولیدی، کار در اداره پست و مراسلات و خدمات، کار در دامداری و صنایع نساجی، کار در بخش بیمارستان و نگهداری و مراقبت از سالمندان و درمانگاه‌های روانی، کار در اداره آب و برق و هواپیمایی

حال سخن بر سر این است اگر جامعه با امتناع روحانیون روبرو شد، چه باید کرد. روشن است اگر قانون اساسی جامعه، که با رأی اکثریت اهالی جامعه وظیفه و حقوق شهروندان را در جامعه بطور روشن و مشخص تعریف کرده است، آنوقت چنین حکم خواهد کرد که اگر کسی با داشتن بضاعت جسمی و توانایی شرکت در حیات اقتصادی اجتماعی جامعه امتناع ورزد، حق برداشت از تولید و دسترنج دیگران را نه خواهد داشت، زیرا جامعه نوین هدف‌اش تولید انسان‌های نوین است و نه تولید انگل و بازتولید آن. کسانی که از شرکت در تولید جامعه امتناع می‌ورزند، کار اجباری در اردوگاه‌های تولیدی است، نه کمتر و نه بیشتر! روحانیون انگل یا باید این قانون را بپذیرند یا در اثر گرسنگی تلف شوند. آیا فرد عاقلی برای مرگ یک انگل مفت‌خور خواهد گریست؟ •

«کارل مارکس» درباره روحانیون می‌گوید: «تا زمانی که جامعه شغل شرافتمندانه‌ای برای روحانیون پیدا نه‌کند، این گروه مفت‌خور، سربار و انکل اجتماع انسان خواهد بود!». آیا به راستی چنین نیست؟ یک روحانی چه حرفه‌ای بلد است و از چه راهی نان می‌خورد؟ آیا بدون حضور روحانیون در جامعه، نبودشان احساس می‌شود؟ کار مملکت می‌خواهد؟ و چرخه اقتصادی از بین می‌رود؟ نویسنده، پژوهشگر و روشنفکر بزرگ تاریخ معاصر میهن ما، زنده یاد «احمد کسروی» درباره روحانیت نیز چنین می‌نویسد:

«آخوندها دسته‌ای هستند در این کشور که مفت می‌خورند و تنها کاری که از دست‌شان برمی‌آید، ایستادگی در برابر پیشرفت است؛ آن‌ها نه بافنده‌اند، نه ریسنده‌اند، نه سازنده‌اند، نه کارنده‌اند، نه دوزنده‌اند و نه می‌خرند و نه می‌فروشند. در یک جمله هیچ کاره‌اند». روحانی، حرفه‌ای به غیر از دروغ‌گوئی، شیادی، فریب‌دادن مردمان و گدایی بلد نیست؛ این جماعت مفت‌خور، مرده‌پرست و خرافاتی با افکار پوسیده‌شان، هر سال مردگان هزاران سال پیش را از قبر بیرون کشیده و برای درآوردن اشک مردم دوباره ایشان را کشته و روانه گورستان می‌کنند. این طایفه بی‌هنر و بی‌علم جلوی هرگونه پیشرفت و ترقی می‌ایستند و مانع رسیدن مردمان به جوامع دموکرات سکولار و مدرن میشوند و نان‌شان را از راه در جهل، خرافات و عقب ماندگی نگاه داشتن مردم در می‌آورند؛ به راستی جماعتی بی‌ذوق و بی‌مصرف‌تر از روحانیون، در تمام تاریخ به چشم نمی‌خورد. روحانیون با استفاده از سرمایه‌های ملی



آیا اتحادیه اروپا پروژه‌های برای صلح است؟

هزینه عضویت سوئد در اتحادیه اروپا چه مقدار است ؟

در قبال انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا در ۲۶ ماه مه چه موضعی باید اتخاذ کنیم؟

ترجمه مطلبی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در سوئد در رابطه با تحریم انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا

ژان کلاد یانکر (Jean-Claude Juncker)، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۱۷ میلادی اعلام نمود که: «ما تا سال ۲۰۲۵ به یک ارتش و قدرت نظامی دفاعی کاملاً مجهز در اروپا نیاز داریم؛ ما به آن نیازمندیم و ناتو هم با آن موافق است.»

پارلمان اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ نیاز اتحادیه اروپا جهت تشکیل یک ارتش واحد را به عنوان یک قدرت جهانی مورد تأیید قرارداد. مطابق پیمان لیسبون (پرتغال) تمام کشورهای عضو، متعهد می‌شوند که یک ساختار سلاح مداوم (PECO) جهت همکاری دائمی برای تسلیحات زره‌پوشان آژانس دفاعی اروپا (EDA) تشکیل گردد. این آژانس به طور مداوم تولیدکنندگان اسلحه اتحادیه اروپا را لابی می‌کند.

ژنکر (Juncker) در سخنرانی خود در اتحادیه اروپا تأکید ورزید که اروپا دیگر در امور سیاست جهانی نظاره‌گر نخواهد بود. در نهایت اتحادیه اروپا باید به عنوان یک بازیگر جهانی نقش خود را ایفاء و بدان عمل نماید و سرنوشت خود را به دست بگیرد و به یک معمار کارکشته در امور مسائل جهانی

آینده به موازات پیوند با ناتو تبدیل گردد.

هزینه‌های دفاعی (قدرت نظامی) اروپا در سال ۲۰۱۶ برابر بود با ۲۰۶ میلیارد یورو؛ بودجه نظامی روس‌ها، در مقایسه برابر است با ۴۲ میلیارد یورو.

و اما هزینه‌های دفاعی سوئد پس از عضویت رسمی در سازمان همکاری نظامی مشترک ۲ درصد از تولید ناخالص ملی خواهد بود؛ حدود ۶ میلیارد یورو، سالانه ۶۰ میلیارد کرون سوئد، تقریباً نیمی از بودجه محیط‌زیست سوئد.

فرانسه قصد دارد در طی ۷ سال سلاح‌های هسته‌ای خود را مدرنیزه نماید که هزینه آن ۳۷ میلیارد یورو خواهد بود.

اتحادیه اروپا که خود را به عنوان یک «پروژه صلح» معرفی می‌نماید در حقیقت به یک پروژه جنگی و تجاوزگرانه به رهبری قدرت‌های استعمار سابق تبدیل شده است که اکنون مشتاق ادامه همان سیاست، یعنی غارت کشورهای فقیر و تحت سلطه است. جنبش صلح در جهان در تقابل با «پروژه صلح» اتحادیه اروپا است. در پارلمان اتحادیه اروپا (که حق تصمیم و تصویب قوانین را ندارد)، سوئد تنها ۲،۵ نماینده دارد و در شورای اتحادیه اروپا تنها ۱۸ درصد حق نفوذ و اظهار نظر دارد. سیاست‌های اتحادیه اروپا هم به زیان محیط زیست هستند.

بدترین شرایط آب و هوا (محیط‌زیست) در رابطه با جنگ‌هایی است که اتحادیه اروپا در حال برنامه‌ریزی آن است.

مجموعه سازمان اتحادیه اروپا یک نهاد ضددموکراتیک است که از منافع کنسرن‌های بزرگ و کارتل‌ها و سرمایه‌داران گردن کلفت حمایت می‌کند. سوئد در رتبه دوم کشورهای قرار دارد که بیشترین هزینه حق عضویت را در اتحادیه اروپا می‌پردازد. هر شهروند سوئدی مبلغ ۲۶۰۰ کرون در سال بابت حق عضویت سوئد در اتحادیه اروپا می‌پردازد. طبق یک بررسی کامل از پورتال (portal) اروپا، آلمان با ۹۰ میلیون جمعیت حق عضویت بسیار پائین‌تری نسبت به سوئد پرداخت می‌کند، رقمی معادل ۱۲۰۰ کرون در سال.

با پرهیز از پرداخت ۴۰ میلیارد کرون عضویت در سال به اتحادیه اروپا، با این پول می‌توانیم در بخش‌های مختلف اجتماعی، کار، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی، مدرسه و رفاه اجتماعی سرمایه‌گذاری کنیم و به داد مردم برسیم. در آستانه انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا چه باید کرد؟ شرکت یا عدم شرکت؟

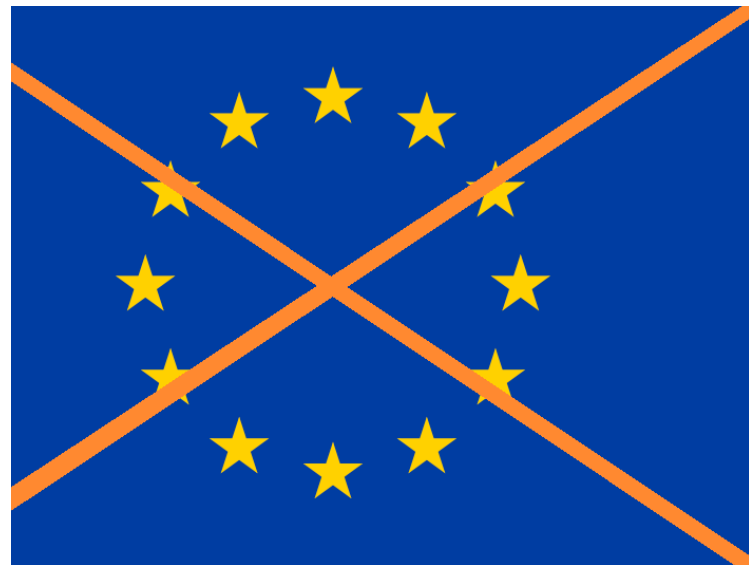
پاسخ به این پرسش چندان مشکل نیست؛ اگر به ۲۰ سال عضویت سوئد در این اتحادیه و اسنادی که در دست داریم، رجوع کنیم، نتیجه حاصل از این عضویت جز به نفع کلان ثروتمندان و به طور عمده سرمایه انحصاری بزرگ و راست‌های افراطی نبوده و در خدمت به این جبهه عمل کرده است.

تنها سیاست درست تحریم انتخابات پارلمان اروپاست. زیرا چنین پارلمانی جز سازماندهی سرمایه انحصاری بزرگ و مشروعیت بخشیدن به آن وظیفه دیگری ندارد.

سیاست حاکم بر این اتحادیه، که بیانگر اتحاد قدرت‌های برتر امپریالیستی اروپا، آلمان و فرانسه و دول ضعیف‌تر سرمایه‌داری و امپریالیستی است، بر ریاضت اقتصادی نئولیبرالی، خصوصی‌سازی‌ها، کاهش دستمزدها، لغو پیمان‌های جمعی و تضعیف فعالیت‌های سندیکایی، تصویب قوانین ضدپناهندگی، افزایش بودجه نظامی و تشدید اختلافات طبقاتی و گسترش بیکاری و فقر..... استوار است. رشد روزافزون خارجی‌ستیزی، راسیسم و نئوفاشیسم نتیجه طبیعی سیاست افسارگسیخته سرمایه‌داری نئولیبرالی و هدف گرفتن معیشت اقتصادی کارگران و عموم زحمتکشان است. فاشیسم فرزند خلف سرمایه‌داری است و شبی که هم اکنون در اروپا در گشت‌وگذار است، حاصل بحران اقتصادی سرمایه‌داری امپریالیستی است که باید با نابودی دست‌آوردهای طبقه کارگر و جنگ و خونریزی حل گردد.

امپریالیست‌های اروپایی برای مشروعیت‌بخشیدن به سیاست‌های نئولیبرالی و ارتجاعی خود باید تمام این قوانین را در قانون اساسی این اتحادیه به تصویب برسانند و به آن قانونیت بخشند. ارگان‌هایی نظیر «شورای اروپا»، «شورای وزیران اتحادیه اروپا»، «کمیسیون اتحادیه اروپا»، «دادگاه اتحادیه اروپا»، ارگان‌های اجرایی و تصمیم‌گیرنده‌ای هستند که نمایندگانش بدون دخالت مردم و بدون هرگونه انتخاباتی، از بالا و در سالن‌های در بسته انتخاب می‌شوند. «پارلمان اتحادیه اروپا»، که هر پنج سال یکبار برگزار می‌شود، تنها نهادی است که نمایندگانش ظاهراً از جانب رأی‌مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. تعداد اعضای پارلمان اتحادیه اروپا ۷۵۱ نفر است که برحسب جمعیت ۲۸ کشور عضو تقسیم می‌شود.

«پارلمان اتحادیه اروپا» ارگان قانون‌گذار نیست، اگرچه اختیارات این پارلمان بعد از قراردادهای ماستریش در ۱۹۹۲ و لیسبون در ۲۰۰۷ قدری افزایش یافته است، اما علی‌رغم این رفرم، دو وظیفه بیشتر در اختیار این پارلمان نیست؛ یکی انتخاب رئیس کمیسیون اروپا، دیگری تصویب برخی قوانین، که «کمیسیون اروپا» تنظیم می‌کند و باید با مشورت «شورای وزیران» انجام گیرد. بدین‌رو «پارلمان اتحادیه اروپا» اساساً ارگان قانون‌گذار نیست و کلیه سیاست‌های کلان «اتحادیه اروپا» توسط «کمیسیون اروپا» و «شورای وزیران» اتخاذ می‌گردد. «پارلمان اتحادیه اروپا»، پارلمان بی‌یال‌و‌دُم و اِشکمی است که برای آرایش و مشروعیت‌بخشیدن به اتحادیه اروپا نقش بازی می‌کند. این یک پارلمان تقلبی است که با پارلمان‌های ملی، که حداقل حفظ ظاهر را به جای می‌آورند



در حاشیه انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا

چرا تحریم؟

انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا در ۲۶ ماه مه برگزار می‌شود. احزاب و سازمان‌های حامی این اتحادیه و حتا بخشی از سازمان‌ها و احزاب «کمونیست و چپ» و مدعیان حمایت از محیط‌زیست نیز مردم را فراخواندند، تا در انتخابات شرکت نمایند و بر «روند سیاست‌گذاری این اتحادیه در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی دخیل و منشاء اثر» باشند. اما صرف‌نظر از همه این هیاهوئی که به‌راه‌نداخته‌اند به‌جاست تا مختصراً به علل پیدایش این اتحادیه، سیاست‌های آن و سپس نقش پارلمان اتحادیه اروپا و تاکتیک صحیح در قبال شرکت و یا عدم شرکت در این انتخابات به‌پردازیم و پرتوی بر دورنمای این اوضاع افکنیم.

تکامل «بازار مشترک اروپا» به «اتحادیه اروپا» پس از فروپاشی بلوک رویزیونیستی شرق و در رقابت با امپریالیسم آمریکا، ژاپن و چین بر سر مناطق نفوذ و کسب بازارهای جدید شتاب گرفت. اروپا به سرکردگی امپریالیسم آلمان، که دیگر قیومیت آمریکا را نمی‌پذیرد، می‌کوشد با تشکیل اتحادیه اروپا، سیاست واحد خارجی، پول واحد، نیروی واحد نظامی و سرانجام تشکیل «ایالات متحده اروپا» در قالب فدرالیسم به عنوان یک قطب نیرومند امپریالیستی در مقابل سایر رقبا صف‌آرایی کند.

و بر طبق قانون اساسی ملی هر چهار سال یکبار برگزار می‌گردد، تفاوت دارد.

دستگاه عریض و طویل بروکراتیک، حقوق‌های کلان نمایندگان پارلمان، و بریدگی از مردم به اندازه‌ای است که اکثریت مردم در چنین انتخاباتی شرکت نمی‌کنند، نسبت به آن بیگانه‌اند، آن را تحریم و یا اساساً بدان توجه‌ای ندارند. در انتخابات اخیر فقط ۴۳ درصد از مردم در ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا در این انتخابات شرکت کردند.

با توجه به نکات فوق و اهداف و مکانیزم‌های اتحادیه اروپا، فراخواندن مردم جهت شرکت در این انتخابات پارلمانی، که برای مشروعیت بخشیدن به اتحادیه امپریالیستی برای فقر و بیکاری بیشتر و جنگ‌افروزی است، سیاست صحیحی نمی‌باشد. وظیفه احزاب مارکسیستی - لنینیستی و نیروهای ترقی‌خواه فراخواندن مردم برای تحریم این انتخابات و خواست خروج کشورشان از اتحادیه اروپاست. برای تحقق این امر خواست همه‌پرسی مجدد برای بود و نبود در اتحادیه اروپا یک تاکتیک مشخص سیاسی برای کشاندن مردم به خیابان‌ها و اعتراض عمومی علیه سیاست خانمان‌برانداز نئولیبرالی و سیاست جنگ‌افروزان اتحادیه اروپاست.

خروج دولت‌ها از اتحادیه اروپا و تشدید تضادهای درونی امپریالیست‌ها به نفع مردم است و شرایط را برای پیش‌برد مبارزه طبقاتی و حفظ دست‌آوردهای طبقه کارگر مناسب‌تر خواهد کرد. پرولتاریا نمی‌تواند بدون شعار و تاکتیک صحیح «خروج فوری از اتحادیه اروپا» مردم را علیه سیاست ریاضت اقتصادی نئولیبرالی بسیج کند. اکنون شرایط برای انقلاب سوسیالیستی و تحقق «اتحادیه مشترک سرخ اروپا» فراهم نیست و تنها تاکتیک صحیحی که می‌تواند یک گام پرولتاریا را به هدف استراتژیک‌اش نزدیک سازد، همانا خواست جدایی فوری از این اتحادیه و منفرد کردن این دستگاه گران و عریض و طویل انحصارات چند ملیتی امپریالیستی است، که شیره جان کارگران و توده مردم را می‌مکد و آنها را به سوی جنگ‌های خونین و اروپای متحد فاشیستی و راسیستی رهنمون می‌سازد. بحران کنونی یونان، گسترش فقر و فاقه و بی‌خانمانی در این کشور حاصل سیاست نئولیبرالی اتحادیه اروپاست که کشور را به پرتگاه سقوط و ورشکستگی مطلق سوق داده است. بحران انگلیس و علل خروج از این اتحادیه ریشه در نارضایتی گسترده کارگران و زحمتکشان و عموم مردم نسبت به سیاست‌های تحمیلی نئولیبرالی به رهبری آلمان دارد.

فراخوان برخی از احزاب «چپ و کمونیست» و محیط‌زیست اروپا مبنی بر شرکت مردم در انتخابات پارلمانی اروپا به جای شعار خروج از این اتحادیه نشان از ورشکستگی این جریانات سیاسی دارد که برای چند کرسی پارلمانی به خیانت ملی و طبقاتی تن داده‌اند. شعله‌ور شدن جنگ در اوکراین و تقویت فاشیسم و راسیسم در این کشور که با همدستی امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، حاصل سیاست جنگ‌افروزان و دخالت اتحادیه امپریالیستی اروپا در امور داخلی اوکراین است.

نتیجه: تشکیل کشورهای متحده اروپا در رژیم‌های سرمایه‌داری امپریالیستی مساوی است با سازش درباره تقسیم بازارهای ممالک توسعه نیافته و عقب‌نگاه داشته شده و این جز زور نمی‌تواند اساس و اصل دیگری برای تقسیم وجود داشته باشد. این اتحاد و سازش موقت از طرفی برای غارت مشترک ثروت و دست‌آوردهای صد ساله اخیر طبقه کارگر کشورهای عضو این اتحادیه است. ریاضت اقتصادی نئولیبرالی در سرلوحه این سیاست غارت‌گرانه امپریالیستی قرار دارد.

احزاب و سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی و نیروهای مترقی با تکیه به کارگران و زحمتکشان و همه آحاد ملت، باید خواهان برگزاری یک همه‌پرسی عمومی و خروج فوری دولت‌های خودی از این اتحادیه ارتجاعی را محقق نمایند. از هم‌پاشیدگی این اتحادیه، منفرد شدن دولت‌های امپریالیستی و تشدید تضادهای آنها به نفع مبارزات طبقه کارگر و خلق‌های اروپا و جهان است.

از اینرو تحریم انتخابات پارلمان اروپا و طرح خروج کشورها از این اتحادیه تاکتیک صحیحی برای تضعیف اتحاد شرکت‌های فراملیتی و پیکار علیه سیاست‌های نئولیبرالی و ریاضت اقتصادی است.

کانال رسمی تلگرام وابسته به حزب کار ایران - توفان •



باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN



بمباران نوار غزه و کشتار بربرمنشانه مردم فلسطین، جنایت علیه بشریت است و آنرا قویاً محکوم می‌کنیم

رسانه‌های گروهی در جهان بی‌شرمانه ماهیت رژیم صهیونیستی را می‌پوشانند، در قبال خشونت و تجاوز ۷۰ سال اشغال غیرقانونی و فاشیستی سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها سکوت می‌کنند و مدام این ادعای رژیم صهیونیستی را تکرار می‌کنند که فلسطینی‌ها «خشونت‌طلب‌اند و دست به خشونت زده‌اند و این امر موجب درگیری‌های اخیر شده است!!»

این رسانه‌ها حتی برخلاف منشور سازمان ملل متحد، که برای هر ملت تحت اشغال، حق مشروع دفاع مسلحانه از خود را برسمیت شناخته است، تحریف و کتمان می‌کنند و در یک جنگ نابرابر (بخوانید سلاخی!) محترمانه و با چاشنی مخالفت با «اسلامیت و خشونت» و دامن‌زدن به اسلام‌هراسی جانب اسرائیل «دمکراتیک و متمدن» را می‌گیرند!

بمباران‌های بربرمنشانه و فاشیستی نوار غزه در چند روز اخیر ادامه کشتار و تجاوزی است که بیش از ۷۰ سال ادامه دارد. این آدمکشی اسرائیل بار دیگر نشان می‌دهد که او هرگز هوادار حتی دولت کوچک مستقل فلسطین نیست و رسماً در پی آن است که همه سرزمین فلسطین را یکجا به‌بلعد، مردم را کشتار کند، بی‌خانمان سازد، به‌تاراند، تبعید کند و باقی‌مانده را در جامعه یهودی حل نماید. این ایدئولوژی دولت اسرائیل است، ایدئولوژی صهیونیستی، نژادپرستانه و فاشیستی که راهنمای

عمل اوست.

تعرض گسترده اخیر - توسط هواپیماهای شکاری، بمب‌افکن‌ها و توپخانه سنگین - تا به حال ده‌ها کشته و صدها تن از مردم غزه را مجروح کرده است.

صهیونیست‌ها کودکان را به قتل می‌رسانند، آگاهانه زیربنای حیاتی مردم، پمپ آب و کارخانه برق و بیمارستان و مدرسه و مناطق مقدس مردم را، که پناه‌گاه آنهاست، بمباران و ویران می‌کنند، احساسات انسانی میلیون‌ها نفر را مورد تمسخر قرار می‌دهند، تروریسم دولتی را به کار می‌برند و از طرف دیگر - بی‌شرمانه - مدعی‌اند که گویا «مشغول مبارزه بر علیه تروریسم هستند!» و یا برای حفظ «ارزش‌های دنیای متمدن می‌جنگند!» زهی بیش‌رمی!

امپریالیسم آمریکا نیز مشوق کامل این بربریت لجام‌گسیخته است و حمایت مالی و سیاسی همه‌جانبه دولت دونالد ترامپ به دولت صهیونیستی اسرائیل عملاً به معنای تأیید رسمی و آشکار همه جنایت علیه ملت فلسطین است.

حزب کار ایران (توفان) تجاوز صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها را به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را محکوم می‌کند و این جنایت را عملی ضدبشری می‌داند و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید.

حزب کار ایران (توفان) از اعتراضات نیروهای مترقی جهان علیه بمباران مردم فلسطین حمایت می‌کند و همگان را فرا می‌خواند حملات افسارگسیخته و ضدبشری صهیونیست‌ها را محکوم و از مبارزه ملت فلسطین برای رهایی ملی دفاع و ابراز همبستگی نمایند.

زنه باد همبستگی بین‌المللی با ملت فلسطین

حزب کار ایران (توفان)

یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

کانال رسمی تلگرام وابسته به حزب کار ایران - توفان •



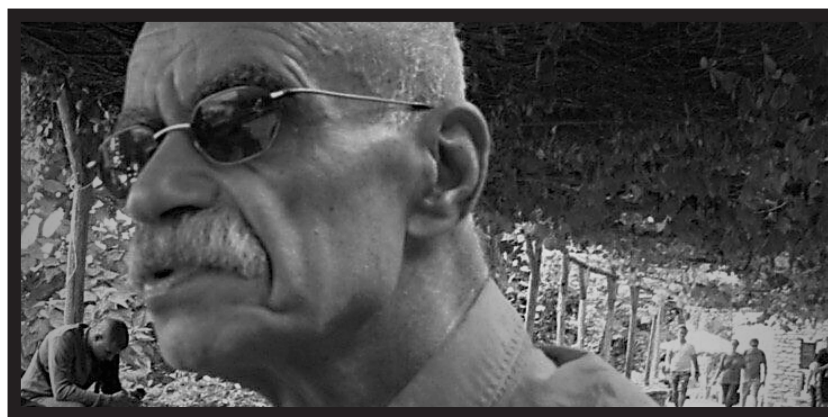
در سوگ رفیق محمود فرازنده، رفیق کمونیست ما

مطلع شدیم که رفیق قدیمی و مبارز ما محمود فرازنده بعد از یک بیماری طولانی سرطان در ۱۵ ماه مه ۲۰۱۹ بدرود حیات گفت و خانواده و رفقای هم‌سنگرش را داغدار کرد.

محمود فرازنده در ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۴۷ در بابک‌شهر از استان یزد، به دنیا آمد. وی بعد از طی دوره دبیرستان در سال ۱۹۶۴ در سن ۱۷ سالگی عازم آلمان شد.

محمود در شهر مونستر بعد از گذراندن دوره مقدماتی در جنب دانشگاه، به تحصیل در رشته علوم اجتماعی پرداخت زیرا این رشته با تمام اندیشه وی که می‌خواست برای آزادی ایران و بویژه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران مبارزه کند، هم‌خوانی داشت. محمود انسانی پُر از احساس بود و وجود بی‌عدالتی‌های اجتماعی وی را سخت عذاب می‌داد. وی با این تفکر به یکی از فعالان کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در شهر مونستر تبدیل شد. لیکن این حد فعالیت سیاسی در سطح ملی و دموکراتیک عطش مبارزه وی را برای رهایی زحمتکشان تسکین نمی‌داد. به این جهت بود که سرانجام به عضویت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان درآمد و تا پایان زندگی‌اش به این آرمان‌ها وفادار ماند. وی برای خدمت به مردم و تشدید فعالیت سیاسی خویش حتی تحصیل را رها نمود و زندگی‌اش را در خدمت مبارزه سیاسی قرار داد. از وی و همسر آلمانی‌اش دو فرزند به جای مانده است. حزب کار ایران (توفان) درگذشت این رفیق صمیمی را به جنبش کمونیستی ایران و خانواده این رفیق تسلیت می‌گوید. نام خوش وی جاودانی است و راهش ادامه دارد.

در مراسم خاکسپاری در پنجشنبه ۲۳ ماه مه ۲۰۱۹ در شهر اوسنابروک آلمان، از جانب حزب کار ایران (توفان) دسته گلی بر مزار این رفیق گذارده شد.



یاد رفیق مهدی شرفی، یار زحمتکشان را زنده بداریم

مطلع شدیم که رفیق مهدی شرفی فعال کنفدراسیون جهانی و عضو گروه پیکار خلق از میان ما رفت. حزب کار ایران (توفان) یاد این رفیق را که آرمان‌های خویش را فراموش نکرد، زنده می‌دارد.

به یاد رفیق مهدی شرفی

رفیق مهدی متولد سال ۱۳۲۲ شمسی بود. وی ذوقی شاعرانه داشت و در دوران دبیرستان و کوتاه مدتی پس از آن در مراوده و همکاری با مجلات ادبی آن زمان درون کشور درآمد. سپس برای ادامه تحصیل عازم کشور اتریش (وین) شد. مهدی در تمام دوران تحصیل، فعالیت مستمر و شایسته‌ای در کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی داشت. پس از پایان تحصیل و اخذ درجه دکترا در رشته زمین‌شناسی، به شهر برلن نقل مکان داد و در ضمن ادامه فعالیت و مبارزه در کنفدراسیون جهانی، بر تلاش خود برای ایجاد تشکلی کمونیستی با سمت و سوی انتقال به درون کشور افزود. مهدی در آن زمان با مطالعه متون مارکسیستی و تجربه‌آموزی از مبارزات طبقاتی پرولتاریای ایران و سایر کشورها دریافته بود که یگانه راه رهایی کارگران و سایر زحمتکشان از قید و بند سرمایه و استثمار و استعمار، اهتزاز پرچم مارکسیسم - لنینیسم و تشکیل یابی حزبی است. مهدی در این هنگام برای خدمت به این آرمان انقلابی، در همکاری و همراهی با جمعی از رفقای هم‌منظر اقدام به ایجاد «گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست» (پیکار خلق) نمود و دو سال بعد با تعدادی از رفقا عازم ایران شد. اقامت و مبارزه او در درون کشور کوتاه مدت بود و بدنبال پیگرد حکومتی، مجبور شد سمت استادی در دانشگاه اصفهان را رها کند و مهاجرت به آلمان را برگزیند. مهدی در تمام دوران اجباری مهاجرت، همواره امید به رهایی ایران از توحش و جهالت اسلامی حاکم و بازگشت به کشور را از دست نداد و این امید را حتی در دوران چندساله ابتلا به بیماری سرطان حفظ نمود. رفیق مهدی در تاریخ پنجشنبه ۱۶ ماه مه ۲۰۱۹ در شهر برلن در پی سکنه قلبی درگذشت. یادش گرامی باد.



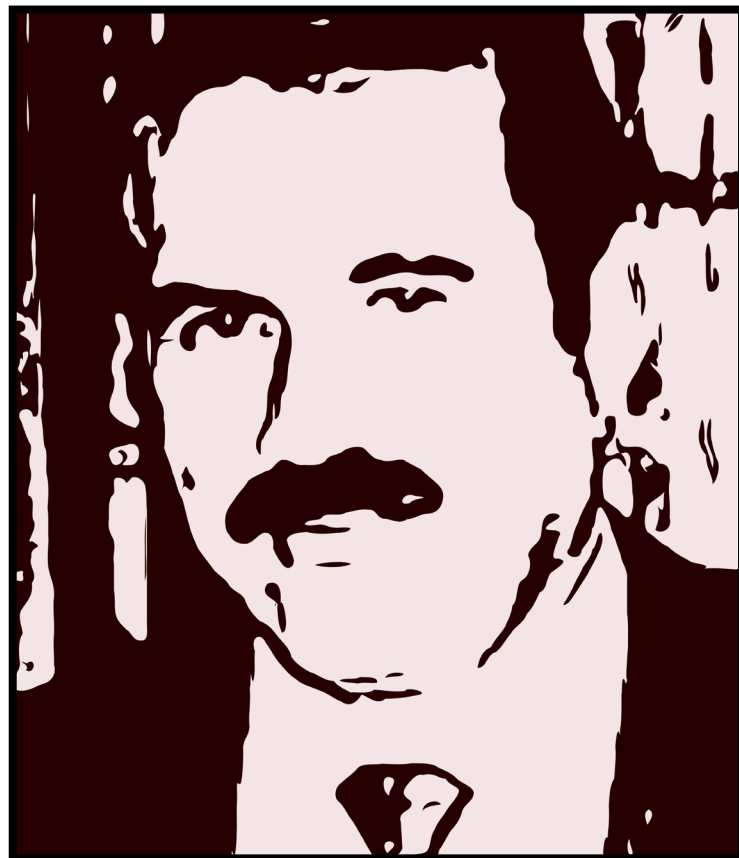
فرخنده باد هفتاد و چهارمین سالروز پیروزی بر فاشیسم

نهم ماه مه، هفتاد و چهارمین سالروز پیروزی بر فاشیسم است. پیروزی بر دیو فاشیسم برای تمام بشریت دارای اهمیت تاریخی بسیار بزرگی است. درهم شکسته شدن قدرت های فاشیستی، به خلق های در بند امکان داد تا به آزادی و استقلال نائل آیند، شرایط مناسبی برای پیروزی سوسیالیسم در عده ای از کشورها و برای اعتلاء جنبش آزادی بخش انقلابی و ملی برای تکان دادن و فرو ریختن سیستم مستعمراتی پدید آید. جهان کار و ترقی، مبارزه عظیم خلق های اتحاد جماهیر شوروی استالینی را برای درهم شکستن فاشیسم و تلاش آنها پس از جنگ برای آنکه صلح عادلانه برقرار گردد، برای آنکه جامعه مشترکی از ملت ها بر اساس تساوی حقوق، عدم مداخله و همکاری پدید آید، که از تهدیدات امپریالیستی، اعمال فشارها و ارباب مبری باشد، ارج گذاشته و اکنون نیز مانند گذشته ارج می گذارد.

همه نیروهای مترقی و انقلابی می دانند که بسیج و رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نبرد افسانه ای ارتش سرخ، که قدرت نظامی آلمان نازی را نابود کرد و بر آن پیروز شد، با نام استالین عمیقاً در آمیخته است. میلیون ها تن از زنان و مردان خلق های شوروی در میدان های نبرد بر خاک افتادند در حالی که نام استالین را بر لب داشتند. تصویر و اندیشه های او منبع الهام و پرچم مقاومت ضد فاشیستی خلق های شوروی و جهان بود. بنابر این نمی توان از جنگ میهنی اتحاد شوروی و پیروزی بر فاشیسم سخن گفت، اما از نام و نقش استالین یاد نه کرد، آنطور که رهبران امپریالیست های غرب و دشمنان ریز و درشت استالین می کنند. استالین و انقلاب اکتبر، استالین و جنگ میهنی و مارکسیسم-لنینیسم از هم جدائی ناپذیرند. باشد که هفتاد و چهارمین سالروز پیروزی بر فاشیسم انگیزه ای گردد تا تمام خلق ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا متحد و بسیج شوند و همه مدعیان سلطه فاشیستی و تجاوزگری بر جهان را با شکست و نابودی مواجه گردانند.

مرگ بر فاشیسم، سرمایه داری و امپریالیسم!
زننده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان) ۹ ماه مه ۲۰۱۹ •



به مناسبت سالگرد ترور رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)

در ۱۹ ماه مه ۱۹۸۷، رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان)، توسط رژیم تروریست سرمایه داری جمهوری اسلامی در وین (اتریش) به قتل رسید. رژیم سر تا پا جنایت جمهوری اسلامی با یک نقشه کثیف چند ساله رفیق حمید بهمنی را در وین به دام انداخت و با شلیک یک گلوله به پشت سر او به زندگی این کمونیست انقلابی پایان داد. اما رژیم تبهکار جمهوری اسلامی نه توانست به هدف خود، که نابودی حزب رفیق چیتگر بود، دست یابد. حزب کار ایران (توفان) به آرمان های رفیق بهمنی متعهد بود و راه رفیق را با استواری ادامه داد. رفیق حمید رضا چیتگر، یک کمونیست مارکسیست - لنینیست جسور و بی باک و از خود گذشته، سازمانده حرفه ای و یک نظریه پرداز بود. رفیق حمید در روز ۸ ماه مه همان سال در استکهلم پیرامون دیکتاتوری پرولتاریا و استالین سخنرانی مبسوطی کرد، که نوارهای آن در بخش صوتی لینک زیر موجوداند. به همه توصیه می شود که به این نوارها گوش دهند.

ما یاران رفیق بهمنی یقین داریم که روزی مردم ایران دودمان رژیم سیاه استبداد اسلامی را از سرزمین مان پاک خواهند کرد و بر ویرانه های مانده از این حکومت کشوری آباد و آزاد خواهند ساخت. یاد رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) گرامی و راهش پُر رهرو باد!

ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زننده باد آزادی و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان) ۱۹ ماه مه ۱۳۹۸ •

<http://toufan.org/souti20%file.htm>



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به یک پرسش

پرسش: اپوزیسیون جمهوری اسلامی در جنگ احتمالی کجا ایستاده است؟ اگر تنش‌های ایران و ایالات متحده به یک رویارویی نظامی بیانجامد، مخالفان جمهوری اسلامی در چه جایگاهی قرار می‌گیرند و چه رویکردی در پیش خواهند گرفت؟ نظر حزب شما چیست؟ آیا همزمان قصد جنگیدن در دو جبهه را دارید؟

پاسخ: سیاست و تاکتیک اپوزیسیون ایران قبل از حمله احتمالی و پس از حمله نظامی باید متفاوت باشد.

امروز قبل از وقوع حمله احتمالی نظامی دو صف در مقابل هم صف آرائی کرده‌اند.

یکم: صف مخالفت روشن و شفاف علیه تحریم اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران.

در اینجا امپریالیسم آمریکا نیروی متجاوز و تحریم‌کننده است و ایران کشور مورد تجاوز و تحریم شونده! سوای اینکه ماهیت رژیم سیاسی ایران چه باشد، از آنجا که مورد تجاوز نظامی و تحریم قرار گرفته و این نقض آشکار حق تعیین سرنوشت ملل به دست خویش و نقض منشور سازمان ملل متحد است، باید قاطعانه محکوم گردد و افکار عمومی جهان را علیه این بربریت بسیج کرد.

صف دوم: شامل اپوزیسیونی می‌شود که موافق تجاوز و یا ظاهراً مخالف هر دو دشمن است، چه تحریم‌کننده یا تحریم‌شونده، متجاوز یا قربانی! و درعین حال علل و مشکل عمده این بحران را نه آمریکا، بلکه جمهوری اسلامی می‌داند

و خواهان برانداختن آن در پارکابی قوای متجاوز است. این عده که شامل مجموعه‌ای از احزاب و جبهه‌ها و شخصیت‌های شناخته و ناشناخته است، در صف دشمنان مردم ایران قرار می‌گیرند و به خیانت ملی درگلیده‌اند. این بخش از اپوزیسیون مخالف شعار «دست‌ها از ایران کوتاه باد» است! این بخش از اپوزیسیون، مرتجع و جنگ‌طلب است و با تبه‌کاران و غارت‌گران بین‌المللی هم‌دست و مخالف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به دست مردم ایران است. این وطن‌فروشان عزم‌شان را جزم کرده‌اند، تا در پارکابی ارتش آمریکا تکلیف رژیم را روشن کنند.

این صدای جنگ، مرگ، استعمار و آشفستگی را که با نقاب‌ها و لباس‌های رنگارنگی به صدا درآمده‌اند، افشا سازیم!

اینها همه قبل از وقوع تجاوز و بمباران نظامی است و در صورتی که چنین فاجعه‌ای رخ دهد، مبارزه مردم ایران شکل ملی به خود خواهد گرفت و شعار «مقاومت ملی برای خروج نیروهای متخاصم امپریالیستی از خاک کشور» عمده‌ترین شعار محوری خواهد بود. در بستر چنین اوضاع و احوالی نیروها و جریان‌های مترقی سیاسی باید در جبهه‌ای واحد علیه قوای خارجی متحد شوند و به سازماندهی مردم به‌پردازند. فقط در بستر چنین دورنمایی است که می‌توان رهبری جنبش ملی را در دست گرفت و سرانجام با بیرون‌ریختن قوای خارجی و کنارزدن نیروهای ارتجاعی داخلی، ایران را از شر اهریمنان رنگارنگ رها ساخت.

جبهه واحد سیاسی میهنی اگر بطور عینی و مادی در صحنه نبرد حضور داشته باشد، باید به همه نیروهای مسلح که علیه دشمن خارجی می‌جنگند، اعلام آتش‌بس دهد و از جنگ داخلی پرهیز کند. زیرا در صورت جنگ داخلی جنگیدن در چند جبهه قوای جبهه متحد انقلابی را تحلیل خواهد برد و این به نفع قوای خارجی و به زیان نیروهای انقلابی و ملی و همه مردم ایران است.

باید هوشیار بود در صورت قدرت‌گیری جبهه واحد سیاسی تهاجم و حملات نیروی متجاوز نسبت به ایران نه تنها فروکش نخواهد کرد، بلکه دو چندان افزایش خواهد یافت، زیرا حضور یک رژیم انقلابی، دمکرات و چپ در ایران تمام منطقه را زیر و رو خواهد کرد، الگوئی خواهد شد برای سایر خلق‌ها و نیروهای مترقی و انقلابی منطقه و سراسر خاورمیانه علیه ارتجاع و امپریالیسم.

آنها که بر این تصور باطل‌اند که آمریکا با نیروی انقلابی بهتر کنار خواهد آمد، پیشاپیش پرچم سفید و ذلت را به اهتزاز درآورده‌اند. چنین نیروئی، از آنجا که نوکری آمریکا را پذیرفته است، مورد تعرض او قرار نخواهد گرفت. تحریم و اشغال مستقیم کشور به نیمه مستعمره شدن ایران منجر خواهد شد.

اگر بخواهیم در این بحث به جایی برسیم... که به طور کلی دیکتاتوری توده‌ها را با دیکتاتوری پیشوایان در مقابل یکدیگر قرار دهیم، سفاکت و مفت‌گویی خنده‌آوری است». (نقل از «اصول لنینیسم» ص. ۲-۱۸۳)

تنها رهبری حزب طبقه کارگر قادر است که انرژی بی‌پایان توده‌ها را برای پیکار عظیم و دوران‌ساز کنونی رها سازد و به تخریب دنیای ستم به‌کشاند. انگلس نیز حاکمیت حزب را از حاکمیت طبقه کارگر جدا نمی‌داند و در مورد حزب آلمان می‌نویسد:

«حزب طبقه کارگری سوسیال دموکراتیک آلمان از آنجا که حزب طبقه کارگر است، لزوماً «سیاست طبقاتی»، سیاست طبقه کارگر را اعمال می‌کند و چون هر حزب کارگری از این مبدا برمی‌خیزد، که حاکمیت را در دولت تصرف کند، حزب کارگری سوسیال دموکراتیک آلمان نیز خواستار حاکمیت خود، حاکمیت طبقه کارگر و بدین قسم حاکمیت طبقه است.» («درباره مسکن»)

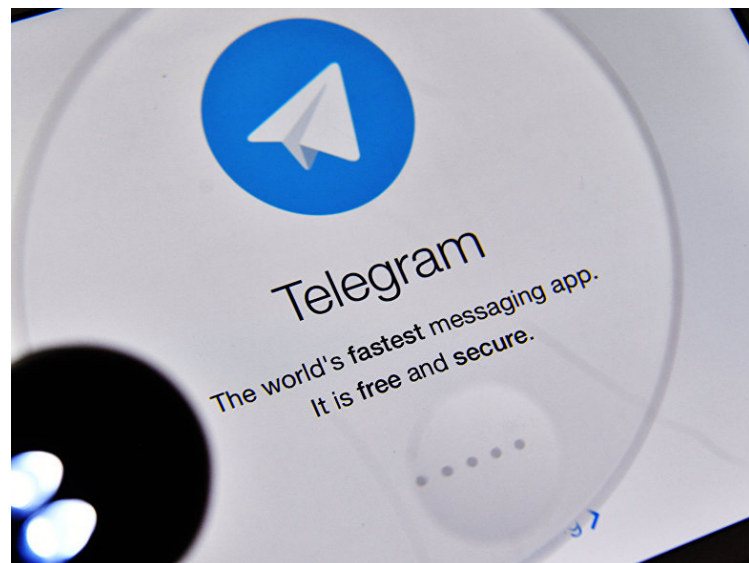
متأسفانه از آنجا که عده‌ای از جریان‌ات سیاسی مدعی «کمونیسم» اصول و مبانی لنینیستی و حزبیت را سال‌هاست نفی کرده‌اند، می‌خواهند سوسیالیسم را تنها در ذهن خود بنا کنند. سوسیالیسم این جریان‌ات سوسیالیسم طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا نیست، سوسیال دموکراتیک و دیکتاتوری بورژوازی در لباس سوسیالیسم است. چنین جریان‌اتی ملقمه‌ای از همه چیزند، از آنارشیسم گرفته تا ترسکیسم، اکونومیسم و رویزیونیسم و ترلزلات اپورتونیستی و ضدحزبی فراکسیونیسم و شعار «همه با هم برای اتحاد بزرگ سوسیالیستی!» اینان چپ اروپایی، اوروکمونیسم‌اند، یعنی ضدلنینیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و مداح بورژوازی‌اند. در گذشته نیز کائوتسکی و شرکای او در انترناسیونال دوم و هم‌چنین کسانی که بعدها در حزب بلشویک اندیشه‌های او را راهنمای خویش قرار دادند، در کنار آنارشیست‌ها و اپورتونیست‌های کهنه کار دیگر عیناً همین اقتراعات را به حزب بلشویک نسبت داده‌اند و رهبری حزب را دیکتاتوری حزب علیه کارگران و علیه دموکراسی و علیه رشد مبارزات سیاسی می‌خواندند. استالین در اثر برجسته خود، «اصول لنینیسم» تمامی این انحرافات را با موشکافی دایمانه‌ای افشاء نمود و انگیزه آنها را روشن ساخت. او در این اثر نوشت:

«می‌خواهند تلقین کنند:

الف - به توده‌های غیرحزبی که جرأت مخالفت نداشته باشید، زیرا حزب است و به هر عملی قادر است. زیرا در کشور ما دیکتاتوری حزب است.

ب - به کادرهای حزبی، جسورانه‌تر عمل کنی، فشار را شدیدتر نمایند، به صدای توده‌های غیرحزبی هم می‌توان اعتنائی نداشت، در کشور ما دیکتاتوری حزب است.

ج - به صدرنشینان حزب، می‌توان تا اندازه‌ای هم خودپسندی را به عنوان تحمل به خود اجازه داد و شاید هم قدری مغرور شد، زیرا در کشور ما دیکتاتوری حزب است و در نتیجه دیکتاتوری پیشوایان هم هست». (ص ۱۹۸) •



پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: بنظر شما آیا حزب، دیکتاتوری اعمال می‌کند یا طبقه کارگر؟ آیا واقعاً در شوروی طبقه بود که حکومت می‌کرد یا حزب؟

پاسخ: دوست عزیز، تمام آموزش مارکسیسم - لنینیسم تأکید بر نقش رهبری حزب بر طبقه کارگر دارد و دیکتاتوری پرولتاریا تنها از طریق اعمال این رهبری در سازمان‌های توده‌ای توضیح داده می‌شود. لنین صراحتاً در این باره چنین می‌گوید:

«رویه‌م رفته با یک دستگاه کشدار نسبتاً وسیع و بسیار نیرومند پرولتری سر و کار داریم که رسماً کمونیستی نیست، ولی حزب به وسیله این دستگاه با طبقه و توده ارتباط کامل دارد و به وسیله آن دیکتاتوری طبقه، زیر رهبری حزب عملی می‌گردد». (به نقل از «اصول لنینیسم»، ص. ۱۶۸)

از رهبری حزبی این نتیجه را نمی‌توان گرفت که به جای دیکتاتوری پرولتاریا دیکتاتوری حزب و یا دیکتاتوری کمیته‌ی مرکزی و در ادامه آن دیکتاتوری فردی حزب قرار دارد و بدین ترتیب رهبری حزب را در نقطه مقابل دیکتاتوری پرولتاریا گذاشت. حزب، رهبر، پیشوا و معلم طبقه کارگر است و بیان روشن و صریح خواست‌های طبقه کارگر است و اراده آنها را منعکس می‌سازد. لنین می‌گوید:

«به خودی خود چگونگی طرح مسئله دیکتاتوری طبقه؟ دیکتاتوری حزب، پیشوایان با دیکتاتوری (حزب) توده‌ها؟ دلیلی بر پریشانی و بن‌بست عجیب فکری است..... همه می‌دانند که توده مردم به طبقات تقسیم می‌شوند..... و طبقات معمولاً و در اکثر موارد و اقلاً در کشورهای متمدن کنونی از طرف احزاب سیاسی رهبری می‌شوند! و احزاب سیاسی بر حسب قاعده معمول از طرف گروه‌های کم و بیش ثابت از اشخاصی که صالح‌تر و صاحب نفوذتر و مجرب‌تر هستند و برای کارهای مسئولیت‌دار انتخاب شده و رهبر خوانده می‌شوند، اداره می‌گردند... ولی



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						